



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)



هر آنچه که از

# قرابت معنایی

در کنکور نیاز دارید!!!

حمید رضا تاجیک

[www.HTajik.ir](http://www.HTajik.ir)

## شاخص ترین مفاهیم مبحث قرابت معنایی :

- ✓ مفاهیم مرتبط با مقوله عشق
- ✓ مفاهیم مرتبط با مقوله اخلاق
- ✓ مفاهیم مرتبط با مقوله عرفان
- ✓ مفاهیم مرتبط با خداوند
- ✓ مفاهیم مرتبط با سمن گفتن و ارتباط با مردم
- ✓ مفاهیم کلی

## عشق

(۱) عشق منشأ فلقت انسان بوده است

(۲) تقابل عقل و عشق

(۳) سفتی کشیدن عاشقان

(۴) فنای عاشقان

(۵) درد عشق را فقط عاشق همبران دیده می فهمد

(۶) عشق موجب تعالی است

(۷) تقابل عشق و صبر

(۸) غم مثبت مویبود در (اه عشق

(۹) معشوق هر که را بیشتر دوست دارد بیشتر مورد عذاب قرار می دهد

(۱۰) کشیدن بارامانت عشق توسط انسان که متی کوه ازکشیدن آن عاجز ماند .

(۱۱) ندیدن معشوق به صلاح عاشق است

(۱۲) تأثیر پذیری عاشق از معشوق

(۱۳) عشق پنهان نمی ماند

### (۱) عشق منشا خلقت انسان بوده است

- من خفته بدم به ناز در کتم عدم / حسن تو به دست خویش بیدارم کرد
- ازخمستان جرعه ای برخاک ریخت / جنبشی درآدم و حوا نهاد
- از شبنم عشق خاک آدم گل شد / صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
- در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
- شور و غوغایی برآمد از جهان / حسن او چون دست در یغما نهاد
- این لطف بین که با گل آدم سرشته اند / وین روح بین که در تن آدم تنیده اند

### (۲) تقابل عقل و عشق

- هوش خردمندان را عشق به تاراج برد / من نشنیدم که باز، صید کبوتر شود
- صائب حضور اگر طلبی ترک عقل کن / کاین در به روی مردم فرزانه بسته است
- چو عشق آمد ز عقل مگو / که دردست چوگان اسیرست گوی
- آن جا که عشق خیمه زند جای عقل نیست / غوغا بود دو پادشه اندر ولایتی
- پرستش به مستی است در کیش مهر / برون اند زین جرگه هوشیارها
- چو بر عقل دانا شود عشق چیر / همان پنجه آهنین است و شیر
- عقل در کوی عشق نابیناست / عاقلی کار بوعلی سیناست



- عقل در سلسله عشق گرفتار بود / عاشق دلشده مست است نه هشیار بود
- عشق آمد خانمان عقل را ویران کند / پشت پا زد بر سر آخر عقل دور اندیش را
- عشق بر تدبیر خندد زانکه در صحرای عقل / هر چه تدبیر است جز بازیچه تقدیر نیست
- عاشقی خود نه کار فرزانه است / عقل در راه عشق دیوانه است
- عقل بیگانه است در ره عشق / شرح این نکته آشنا داند
- عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی / عشق داند که در این دایره سرگردانند
- عقلم به کوی دوست هدایت نمی کند / ای عشق برافروز چراغ هدایت
- ماجرای عقل پرسیدم ز عشق / گفت معزول است و فرمانیش نیست

### ۳) سختی کشیدن عاشقان

- به شادی و آسایش و خواب و خور / ندارند کاری دل افکارها
- دربیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش ها گر کند خارمغیلان غم مخور
- مالک ملک وجود، حاکم رد و قبول / هر چه کند جور نیست ور تو بنالی جفاست
- وصال دوست طلب می کنی بلاکش باش / که خار و گل هم با یکدگر تواند بود
- نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
- زشت باید دید و انگارید خوب / زهر باید خورد و انگارید قند
- یا رب این کعبه مقصود تماشاگه کیست / که مغیلان طریقش گل و نسرين من است
- باغبان گر پنچ روزی صحبت گل بایدش / بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش
- فراز و نشیب عشق دام بلاست / کجاست شیر دلی کز بلا نپرهیزد
- جمال کعبه چنان می کشاندم به نشاط / که خارهای مغیلان حریر می آید
- ولی رادمردان و وارستگاران / نیازند هرگز به مردارها
- کی کند عاشقی نگاهی درجهان / زان که عاشق را جهانی دیگر است
- همه سلامت نفس آرزو کند مردم / خلاف من که به جان می خرم بلایی
- حدیث عشق نداندم کسی که در همه عمر / به سر نکوفته باشد درسرای را
- اگر تو جور کنی رای ما دگر نشود / هزارشکر بگویم هر جفایی را
- طریق عشق پر آشوب و فتنه است ای دل / بیفتد آنکه در این راه باشتاب رود

- ما سیه گلیمان را جز بلا نمی شاید / بر دل بهایی نه هر بلا که بتوانی
- اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست / رهروی باید جهان سوزی نه خامی بی غمی
- حاصلی نیست به جز غم ز جهان خواجه را / شادی جان کسی کاو ز جهان آزاد است
- طره پریشانش دیدم و به دل گفتم / این همه پریشانی بر سر پریشانی
- بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند / بگفت انده خرنده و جان فروشند
- کشیدند در کوی دلدادگان / میان دل و کام دیوارها
- عشق جویی و عافیت طلبی / عشق با عافیت کدام بود
- زخم خونینم اگر به نشود به باشد / خنک آن زخم که هر لحظه مرا مرهم از اوست

## ۴) فنای عاشقان

- عاشقان گشتگان معشوقند / بر نیاید زکشتگان آواز
- ای مدعیان در طلبش بی خیرانند / کان را که خبر شد خبری باز نیامد
- ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
- لاف تقرب مزین به حضرت جانان / زان که خموشند بندگان مقرب
- تا نگریدی بی خبر از جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان
- بدان مقام رسید اتحاد من و دوست / که باز می نشناسم که این منم یا دوست
- دست درکش کرد و با آتش به هم / خویشتن گم کرد با او خوش به هم
- دست از مس وجود چو مردان حق بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- صورت من همه او شد صفت من همه او / لاجرم کس من و من نشنود اندر سختم
- از نارسیدگی است که صوفی می کند خروش / سیلاب چون به بحر رسد می شود خاموش
- آن که شد هم بی خبر هم بی اثر / از میان جمله او دارد خبر
- از تن دوست در سرای مجاز / جان برون آید و نیاید راز
- تا که خبر دارم از او بی خبر از خویشتم / با وجودش زمن آواز نیاید که منم
- کسی را که در این بزم ساغر دهند / که داروی بی هوشیش در دهند
- هر که را اسرار حق آموختند / مهر کردند و دهانش دوختند
- بگفتا گربه سریا بیش خشنود ؟ / بگفت از گردن این وام افکنم زود

- بگفتا جان مده بس دل که با اوست / بگفت دشمن اند این هردو بی دوست
- بگفتا گرخرامی درسرایش / بگفت اندازم این سرزیرپایش
- عاشقی را یکی فسرده بدید / که همی مرد و خوش همی خندید
- که جان عاشق چون تیغ عشق برآید / هزار جان مقدس به شکر آن بنهد
- درآمد آتش عشق و بسوخت هر چه جز اوست / چو جمله سوخته شد شاد باش و خوش می خند

## ۵) درد عشق را فقط عاشق هجران دیده می فهمد

- سینه خواهم شرحه شرحه ازفراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق
- تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
- آنچه برمن می رود در بندت ای آرام جان / با کسی گویم که در بندی گرفتار است
- حال شب های مرا همچو منی داند و بس / تو چه دانی که شب سوختگان چون گذرد
- حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر / به سر نکوفته باشد در سرایی را
- در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام
- مدعی خواست که آید به تماشاگه راز / دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد
- همیشه صداهایی در طبیعت و رازهایی در آسمان هست که همه کس نه توانند آنرا بخوانند و نه آنرا بشنود
- شب فراق که داند که تا سحر چند است / مگر کسی که به زندان عشق در بند است
- سخن را روی در صاحب دلان است / نگویند از حرم الا به محرم
- عشق در هر دلی فرو ناید / زان که هر سینه محرم رازی است
- اسرار خرابات به جز مست نداند / هشیار چه داند که در این کوچه چه راز است
- محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
- منم همچون پیاده تو سواری / از رنج پایم آگاهی نداری
- مرغان قفس باشد را المی باشد و شوقی / کان مرغ نداند که گرفتار نباشد
- هم عارفان عاشق داند حال مسکین / گر عارفی بنالد یا عاشقی بزارد
- حدیث عشق جانان گفتنی نیست / وگر گویی کسی همدرد باید
- محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست

## ۶) عشق موجب تعالی است

- در مکتب عشق هان ای پسر بکوش / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- چو شبنم اوفتاده بودم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم
- ورامروز اندراین منزل تورا جانی زیان آمد / زهی سرمایه و سودا که فردا زان زیان بینی
- تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تا زان پس / به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی
- از کیمیای مهر تو زر گشت روی من / آری به لطف یمن شما خاک زر شود
- دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
- چو شبنم بیفتاد مسکین و خرد / به مهر آسمانش به عیوق برد

## ۷) تقابل عشق و صبر

- بگفتا رو صبوری کن در این درد / بگفت از جان صبوری چون توان کرد
- جان ماهی آب باشد صبر بی جان چون بود / چون که بی جان صبر نبود چون بود بی جان ز جان
- صبوری از طریق عشق دور است / نباشد عاشق آن کس کاو صبور است
- به عشق اندر صبوری خام کاری است / بنای عاشقی بر بی قراری است
- مستی و عاشقیم برد ز دست / صبر ناید ز هیچ عاشق مست

## ۸) غم مثبت موجود در راه عشق

- دیدی که مرا هیچ کسی یاد نکرد / جز غم که هزار آفرین برغم باد
- این فخر بس مرا که چون پیدا شوم زدور / شادی کنان غم تو به رویم سلام کرد
- آگه نیم که چیست غم را سبب ولی / دانم که یاد غم سبب شادی من است
- شادم به روز غم که غم غمگسار گشت / که غم چو روی شادی عالم بدیده ام
- گر دیگران به عیش و طرب خرم اند و شاد / ما را غم نگار بود مایه ی سرور
- غم می خوریم و هیچ شکایت نمی کنیم / ما را چه غم؟ که غمت غمگسار ماست
- جان بهر غم است و بی غم امکان نبود / هر جان که در او غم نبود جان نبود

- چه شکر گویمت ای سیل غم عفاک الله / که روز بی کسی آخر نمی روی ز برم
- باز بانگی از نیستان می رسد / غم به داد غم پرستان می رسد
- غم را لطف لقب کن زغم و درد طرب کن / هم از این خوب طلب کن فرج و امن و امان را
- جانا به جز غم تو دلم را هوس مباد / جز تو کسم ز جور تو فریاد رس مباد
- ای بی وفا رسم وفا از غم بیاموز / غم با همه بیگانگی هر شب به ما سر می زند
- غمش را غیر دل سر منزلی نیست / ولی آن هم نصیب هر دلی نیست
- غم تو را به نشاط جهان نخواهم داد / من این خریده خود را به هیچ نفروشم

## ۹) معشوق هر که را بیشتر دوست دارد بیشتر مورد عذاب قرار می دهد

دوستت دارم از این رو که مکافاتت می کنم

- هر که در این بزم مقرب تر است / جام بلا بیشترش می دهد
  - در حیرتند خیره سران از چه عشق دوست / احباب را به بند بلا مبتلا کند
  - هر که بود طالب دیدار دوست / آب دم نیشترش می دهد
  - اگر با من نبودش هیچ میلی / چرا ظرف مرا بشکست لیلی
  - بار رنج کش به شب قیرگون / هر چه عنا (رنج) بیش عنایت فزون
- به او نزدیکتری شوید، گرچه بیشتر آزار ببینید .

## ۱۰) کشیدن بارامانت عشق توسط انسان که حتی کوه از کشیدن آن عاجز ماند .

- مجموعه ای می بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد .
  - آسمان بارامانت نتوانست کشید / قرعه کار به نام من دیوانه زدند
  - آسمان سست پی مرد شکوه عشق نیست / رخس می باید که رستم را به میدان آورد
  - درازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد .
  - آدمی گر خون بگرید از گرانباری رواست / کان چه نتوانست بردن آسمان بر دوش اوست .
  - آسمان کی می تواند کرد کار عشق را / بر نمی آید ز دست شیشه گر آهنگری
- عشق بالاتر از آن است که در وصف آید / چرخ کبکی است که در چنگال این شهباز است
- عشق دعوی می کند بار بلا بر دوش نه / نقد خود بر سنگ زن بنگر عیار خویش را

انا عرضنا الامانه على السموات و الارض و ...

### (۱۱) ندیدن معشوق به صلاح عاشق است

- بگفتا دوری ازمه نیست درخور / بگفت آشفته ازمه دوربهرتر
- زهرسوکرد برعادت نگاهی      نظرناگه درافتادش به ماهی
- چولختی دید از آن دیدن خطر دید      که بیش آشفته شد تا بیشتر دید
- گر مدعیان نقش ببینند پری را / دانند که دیوانه چرا جامه دریده است

### (۱۲) تاثیر پذیری عاشق از معشوق

- تا رفتنش بینم و گفتنش بشنوم / از پای تا به سرهمه سمع و بصرشدم
- با صد هزار جلوه برون آمدی که من / با صد هزار دیده تماشا کنم تو را
- از غبار پایش کرده ام کحل نظر / سرمه کی باشد به چشم انتظارم کارگر
- یاد باد آن که سر کوی توام منزل بود / دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود
- من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت / کاؤل نظر به دیدن او دیده ور شدم
- تا مرا با نقش رویش آشنایی اوفتاد / هر چه می بینم به چشمم نقش دیوار آمدست

### (۱۳) عشق پنهان نمی ماند

- چه چیز را دشوار پنهان می توان داشت آتش را که در روز دودش از راز پنهان خبر می دهد و در شب شعله اش پرده دری می کند؛ عشق نیز چون آتش است که پنهان نمی ماند.
- دهل زیر گلیم از خلق پنهان / نشاید کرد و آتش زیر سر پوش
- اظهار عشق را به زبان احتیاج نیست / چندان که شد نگه به نگه آشنا بس است
- عشقت به قول مدعی پنهان نشاید داشتن / سرچشمه خورشید را نتوان به خاک انباشتن
- عشق سعدی نه حدیثی است که پنهان ماند / داستانی است که بر سر هر بازاری است
- هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم / نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

## تستهای مفاهیم مرتبط با مقوله عشق

۱- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

- «هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست»  
 (۱) سینه‌ی خالی ز مهر گلرخان  
 (۲) تن بی درد دل جز آب و گل نیست  
 (۳) دل چو افسرده شد از سینه برون باید کرد  
 (۴) خوش بود ناله‌ی دل سوختگان از سر درد

- دل افسرده غیر از آب و گل نیست»  
 کهنه انسانی بود پُر استخوان  
 دل فارغ ز درد عشق دل نیست  
 مرده هرچند عزیز است نگه نتوان داشت  
 خاصه دردی که به امید دواى تو بود

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله پنجم

۲- بیت «خواهم افکندن ز دست دل سر اندر پای دوست معنایی ندارد؟

- (۱) بگفتا گر خرامی در سرایش  
 (۲) بگفتا گر بخواهد هرچه داری  
 (۳) بگفتا گر به سر یابیش خشنود  
 (۴) بگفتا دل زمهرش کی کنی پاک

- بگفت اندازم این سر زیر پایش  
 بگفت این از خدا خواهم به زاری  
 بگفت از گردن این وام افکنم زود  
 بگفت آن گه باشم خفته در خاک

گر زمن بپذیردش این فخر بس باشد مرا» با کدام بیت ارتباط

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله پنجم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله پنجم

۳- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «بشوی اوراق اگر همدرس مایی»  
 (۱) به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم  
 (۲) دفتر دانش ما جمله بشوید به می  
 (۳) فرشته عشق نداند که چیست ای ساقی  
 (۴) قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز

- که درس عشق در دفتر نگنجد»  
 که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد  
 که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود  
 بخواه جامی و گلابی به خاک آدم ریز  
 و رای حد تقه ریر است شرح آرزومندی

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله ششم

۴- مفهوم بیت: «او را خود التفات نبودى به صید من

- (۱) تا دل نمی‌برم به کسی دل نمی‌دهم  
 (۲) چشم تو راست کرد به دل تیر غمزه را  
 (۳) گفت خود دادی به ما دل حافظا  
 (۴) عشق می‌گوید به گوشم پست پست

من خویشتن اسیر کمند نظر شدم» با کدام بیت متناسب است؟

- صیاد من نخست گرفتار من شود  
 شادم که التفات دلیل عنایت است  
 ما محصل بر کسی نگماشتیم  
 صید بودن خوش‌تر از صیادی است

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - ۹۱

۵- مفهوم «درک و شناخت وجود حضرت حق نصیب هرکسی نمی‌گردد» از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟

- (۱) تا به کی نازی به حسنت عاریت  
 (۲) نظر پاک تواند رخ جانان دیدن  
 (۳) بدن دو دیده‌ی حیران من هزار افسوس  
 (۴) پرده‌بردار که بیگانه خود این روی نبیند

- ما و من آینه‌داری بیش نیست  
 که در آینه نظر جز به صفا نتوان کرد  
 که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم  
 تو بزرگی و در آینه‌ی کوچک نمایی

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله پنجم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله پنجم

۶- مفهوم همهی ابیات به استثنای بیت ..... با یکدیگر تناسب دارد.

- ۱) در نیابند حال پخته هیچ خام
- ۲) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
- ۳) با نیم پختگان نتوان گفت سوز عشق
- ۴) پیر میخانه چه خوش گفت به دُری کش خویش

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۰

۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

- ۱) گر دوست بنده را بکشد یا بپرورد
- ۲) مرا رضای تو باید نه زندگانی خویش
- ۳) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
- ۴) گر کام دوست، کشتن سعدی است باک نیست

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - ۹۰

۸- کدام دو بیت با یکدیگر تفاوت معنایی دارند؟

- ۱) عشق دریایی کرانه ناپدید  
عشق دردانه است و من غواص و دریا میکده
- ۲) بهوش بودم از اول که دل به کس نسپارم  
رفتگی و نمی شوی فراموش
- ۳) تو را ز کنگره‌ی عرش می زنند صغیر  
پیک دلی پیرو شیطان مباش
- ۴) خاصان حق همیشه بلیت کشیده‌اند  
ای آشنای کوی محبت صبور باش

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - تجربی - ۹۰

۹- کدام بیت بیانگر «فنای عاشق در وجود معشوق» است؟

- ۱) امروز ز رخساره‌ی خود پرده برانداز
- ۲) از خویش برآورد تمنای تو، ما را
- ۳) گوسیل فنا گرد برآرد ز دو عالم
- ۴) چون سایه که سر در قدم سرو گذارد

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله دوم

۱۰- مفهوم عبارات «گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه‌ی اصحاب را. چون برسیدم بوی

گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- ۱) قراری بسته‌ام با می‌فروشان
- ۲) چنان پر شد فضای سینه از دوست
- ۳) من آن مرغم که هر شام و سحرگاه
- ۴) قدح پر کن که من در دولت عشق

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)



۱۱- مفهوم متن «همیشه صدایی در طبیعت و رازهایی در آسمان هست که همه کس نه تواند آنرا بخواند و نه تواند آنرا بشنود. برای شنیدنش گوش و دلی می‌خواهد که مانند همه گوش‌ها و دل‌ها نباشد، گوش شنوا، قلبی پاکیزه و روانی روشن می‌خواهد.» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) حکایت شب هجران فرو گذاشته به
- (۲) تویی آن گوهر پاکیزه که در عالم قدس
- (۳) چو مُحرم شدی از خود ایمن مباش
- (۴) مدّعی خواست که آید به تماشاگه راز

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۱۲- بیت: «بیزارم از وفای تو، یک روز و یک زمان مفهومی دارد؟

- (۱) اگر دانی که تا هستم نظر جز با تو پیوستم
- (۲) ز وفا چشم نمی‌دارم چون می‌دانم
- (۳) دلا بیزار شو از جان اگر جانان همی خواهی
- (۴) مرا به علّت بیگانگی از خویش مران

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۱

۱۳- مفهوم بیت «گفتم بینمش مگر درد اشتیاق دارد؟

- (۱) میل آن دانه‌ی خالم نظری بیش نبود
- (۲) شب برآنم که مگر روز نخواهد بودن
- (۳) خالی از ذکر تو عضوی چه حکایت باشد؟
- (۴) چشم از آن روز که بر کردم و رویت دیدم

مرحله دوم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله دوم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله دوم

۱۴- مفهوم بیت «هر که را که بخت دیده می‌دهد در رخ تو بیننده می‌کند و آن مه می‌کند سیر صورتت و صف آفریننده می‌کند» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
- (۲) تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم
- (۳) گفتم ببینمش مگر درد اشتیاق
- (۴) من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت

۹۰ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۲

- صاحب خبر بیامد و من بی‌خبر شدم  
از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم  
ساکن شود بدیدم و مشتاق‌تر شدم  
کاؤل نظر به دیدن او دیده‌ور شدم

۱۵- در همهی ابیات به جز بیت ..... «غم» نکوهیده است.

- |   |                                  |
|---|----------------------------------|
| ۱) شدم گم تا شود غم نیز گم، حیف         | که از گم گشتنم غم بیش تر شد      |
| ۲) غم بیخ عمر می‌برد و من به برگ آنک    | دستی به شاخ لهُو به صد فن برآورم |
| ۳) حیوان صفت است هر که را نیست غمی      | هر کس که ندارد غمی انسان نبود    |
| ۴) به جان دوست که غم پرورده بر شما ندرد | گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید   |

چهارم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله چهارم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله چهارم

۱۶- بیت «بگفتا رو صبوری کن در این درد بگفت از جان صبوری چون توان کرد؟» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| ۱) از من اکنون طمع صبر و دل و هوش مدار | کان تحمل که تو دیدی همه بر باد آمد  |
| ۲) اگرچه صبر من از روی دوست ممکن نیست  | همی کنم به ضرورت، چو صبر ماهی از آب |
| ۳) گفستی صبور باش که به سودای عشق من   | وقتی که صبرم از دل شیدا گرفته‌ای    |
| ۴) هر نصیحت که کنی بشنوم ای یار عزیز   | صبرم از دوست مفرمای که من نتوانم    |

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - ۹۰

۱۷- مفهوم بیت: «بشوی اوراق اگر همدرس مایی استثنای ... یافت می‌شود.

- |  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| ۱) حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است     | به ناله‌ی دف و نی در خروش و ولوله بود |
| ۲) قلم را آن زبان نبود که سرّ عشق گوید باز | ورای حدّ تقریر است شرح آرزومندی       |
| ۳) غیرت عشق زبان همه خاصّان ببرید          | کز کجا سرّ غمش در دهن عام افتاد       |
| ۴) مباحثی که در آن مجلس جنون می‌رفت        | ورای مدرسه و قال و قیل مسأله بود      |

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - ۹۱

۱۸- مفهوم بیت «آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرع‌ی فال به نام من دیوانه زدند» با کدام بیت تناسب دارد؟

- |   |   |
|---|---|
| ۱) فلک غلتید و از بار امانت شانه خالی کرد | تو زیر بار این کوه کلان رفتی چه بی‌باکی |
| ۲) آسمان گو مفروش این عظمت کاندلر عشق     | خرمن مه به جوی خوشه‌ی پروین به دو جو    |
| ۳) گر امانت به سلامت بزم باکی نیست        | بی‌دلی سهل بود گر نبود بی‌دینی          |
| ۴) برخیز تا به عهد امانت وفا کنیم         | تقصیرهای رفته به خدمت قضا کنیم          |

سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - تجربی - جامع ۳ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - هنر - جامع ۳

۱۹- بیت «آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر

- |  |  |
|--|--|
| ۱) چو او آب حیات آمد چرا آتش برانگیزد      | چون او باشد قرار جان چرا جان بی‌قرار آمد |
| ۲) سرانداران و جان‌بازان دگر باره بشوریدند | وجود اندر فنا رفت و فنا اندر وجود آمد    |
| ۳) دگر باره جهان پر شد زبانگ صور اسرافیل   | امین غیب پیدا شد که جان را زاد و بود آمد |
| ۴) قیامت در قیامت بین نگار سرو قامت بین    | کزو عالم بهشتی شد هزاران نو بهار آمد     |

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - ریاضی - ۹۰ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - جامع ۲

۲۰- مفهوم عبارت: «چه چیز را دشوار پنهان می‌توان داشت؟ آتش را که در روز دودش از راز پنهان خبر می‌دهد و در شب، شعله‌اش پرده‌ری می‌کند.» با همهی ابیات به‌جز بیت ..... تناسب دارد.

- (۱) عن‌دلیبِ گلِ رخسار دگر خواهم شد چندگاهی پی دلدار دگر خواهم شد
  - (۲) بر طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام خون دل عکس برون می‌دهد از رخسارم
  - (۳) نشان عشق را بگذار چون آتش به حال خود که سوایی شود از پوشش افزون این علامت را
  - (۴) چو خورشید است پیدا راز عشق از سینه‌ی عاشق زبانش ز نام‌های پی‌چیده، صحرای قیامت را
- دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - انسانی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۲۱- مفهوم بیت «چه باشد گر خورم صد سال تیمار چو بینم دوست را یک روز دیدار» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) خلق را بیدار باید بود از آب چشم من وین عجب کان وقت می‌گیریم که کس بیدار نیست
  - (۲) دوستان گویند سعدی خیمه بر گلزار زن من گلی را دوست می‌دارم که در گلزار نیست
  - (۳) نوک مژگانم به سرخی بر بیاض (سفیدی) روی زرد قصه‌ی دل می‌نویسد حاجت گفتار نیست
  - (۴) ای که گفستی هیچ مشکل چون فراق یار نیست گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست
- دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۰

۲۲- مفهوم بیت «گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد است؟

- (۱) گر مسی گردد ز گفتارت نفیر کیمیا را هیچ از وی وامگیر
- (۲) رخ و سرشک من نگر که کرده‌ای چو سیم وزر تبارک الله ای پسر قوی است کیمیای تو
- (۳) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من آری به یمن لطف شما خاک زر شود
- (۴) من غلام آن مس همت پرست که به غیر از کیمیا نارد شکست

آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله دوم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله دوم

۲۳- همهی ابیات به استثنای ..... با یک‌دیگر تناسب معنایی دارند.

- (۱) تو خوش می‌باش با حافظ برو گو خصم جان می‌ده چو گرمی از تو می‌بینم چه باک از خصم دم سردم
- (۲) بر آنم گر تو باز آیی که در پایت کنم جانی وزین کمتر نشاید کرد در پای تو قربانی
- (۳) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود سر و جان را نتوان گفتم که مقداری هست
- (۴) من در خور تو چه تحفه آرم جان است و بهای یک نظر نیست

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - ۹۱

۲۴- کدام ابیات با یک‌دیگر تناسب معنایی دارند؟

- (الف) برو که خرده گرفتن به عاشقان نه رواست که علم و عقل تو از آن‌چه عشق ماست جداست
  - (ب) گر از حسیض جهالت حذر توانی کرد به اوج عزّ و قناعت گذر توانی کرد
  - (ج) چو شور عشق نباشد چه جای شیرین کار اگرچه تیشسه‌ی فرهاد کوه‌کن باشد
  - (د) قماش عشق به مقیاس علم و عقل مسنج که بارگاه دل از کارگاه مغز جداست
  - (هـ) عشق‌بازی کار بی‌کاران بود عاقلش با کار بی‌کاران چه کار
- (۱) الف، ج، د، هـ (۲) ج، د، هـ (۳) الف، د، هـ (۴) ج، ب، هـ، د

سال سوم - سال تحصیلی ۹۲-۹۱ - انسانی - جامع ۱ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۲-۹۱ - هنر - جامع ۱

۲۵- بیت «آب چه دانست که او گوهر گوینده شود خاک چه دانست که او غمزه‌ی غمازه شود؟»، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) این لطف بین که با گل آدم سرشته‌اند
- (۲) تا در این آب و گلی کار کلوخ اندازی است
- (۳) هم چو گرد این تن خاکی تواند برخاست
- (۴) چون گه خدمت شه آید من می‌دانم

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۸۹

۲۶- مفهوم «تسلیم محض عاشق در برابر معشوق» از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟

- (۱) هر کس سر سودایی دارند و تمنّایی
- (۲) هر چه خواهی کن که ما را با تو روی جنگ نیست
- (۳) آفرین کردن و دشنام شنیدن سهل است
- (۴) یاد می‌داری که با من جنگ در سر داشتی

پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله اول و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۱-۹۰

۲۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
- (۲) دوام عیش و تنعم نه شیوه‌ی عشق است
- (۳) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست
- (۴) نمی‌پیچم سر از سنگ ملامت عاشقم عاشق

پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۲-۹۱ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - سال تحصیلی ۹۲-۹۱ - جامع ۲

۲۸- مفهوم بیت «یک کرشمه کرد با خود آن چنانک

- (۱) تا کمال علم او ظاهر شود
- (۲) تا تماشای وصال خود کند
- (۳) چو با خود یاتند اهل طرب را
- (۴) در ازل پرتو حسنش ز تجلی دم زد

پنجم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله پنجم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله پنجم

۲۹- بیت «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد دم معنایی ندارد؟

- (۱) مناسب لب لعنت حدیث بایستی
- (۲) چرا و چون، نرسد بندگان مخلص را
- (۳) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
- (۴) هر آن‌چه بر سر آزادگان رود زیباست

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۰

جواب تلخ بدیع است از آن دهان ای دوست  
رواست گر همه بد می‌کنی، بکن که نکوست  
که زنده‌ی ابد است آدمی که کشته‌ی اوست  
علی‌الخصوص که از دست یار زیبا خوست

۳۰- مفهوم بیت: «چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب است؟»

- (۱) مستم ولی از روی او غرقم ولی در جوی او
- (۲) در جام می آویختم اندیشه را خون ریختم
- (۳) با دلبران و گلرخان چون گلبنان بشکفته‌ام
- (۴) روزی که عکس روی او، بر روی زرد من فتد

مهرم به‌جان رسید و به عیوق بر شدم» با کدام بیت متناسب

- از قند و از گلزار او چون گل شکر پرورده‌ام
- با یار خود آمیختم زیرا درون پرده‌ام
- با منکران دی صفت همچون خزان افسرده‌ام
- ماهی شوم رومی رخی، گر زنگی نو برده‌ام

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۱

۳۱- بیت: «گوشم به راه تا که خبر می‌دهد زدوست مفهومی دارد؟»

- (۱) تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست
- (۲) چه دعاها کنمش گر خبری بازآرد
- (۳) چون من از پای در افتادم و از دست شدم
- (۴) در خرابات زاسرار حقیقت صائب

صاحب خبر بیامد و من بی‌خبر شدم» با کدام بیت تناسب

- از طعنه‌ی دشمن به خدا گر خبرستم
- از دل من غم و اندوه فراوان ببرد
- دارم از لطف تو آن چشم که داری گوشم
- تا خبر یافتم از بی‌خبرانم کردند

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - تجربی - ۹۱

۳۲- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) عشق با سر بریده گوید راز
- (۲) سر بریدن چیست؟ کشتن نفس را
- (۳) از خود چو نگذری به مرادی نمی‌رسی
- (۴) این نکته نوشته‌ایم بر دفتر عشق

- زان که داند که سر بود غمناز
- در جهاد و ترک گفتن نفس را
- سر تا بریده نیست به سامان نمی‌رسد
- سر دوست ندارد که دارد سر عشق

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۳

۳۳- بیت: «عشق بی چار میخ تن باشد

دارد؟»

- (۱) چار می‌بخت کرده‌ام من راست گو
- (۲) عشق را بنیاد بر ناکامی است
- (۳) من همان دم که وضو ساختم از چشمه‌ی عشق
- (۴) مرغ جان من در این خاکی قفس محبوس توست

مرغ دانا قفس شکن باشد» با کدام بیت تناسب مفهومی

- راست پیش آور، دروغی را مجو
- هر که زین سر، سرکشد از خامی است
- چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست
- هم تو بالش برگشا و هم تو بندش بر شکن

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۲

۳۴- بیت: «حسن به ازل نظر چو در کارم کرد

ندارد؟»

- (۱) کمال حسن تدبیرش چنان آراست عالم را
- (۲) لطف نهان به جلوه آر تا برود دلم ز کار
- (۳) چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت
- (۴) تا رقم حسن تو زد آسمان

بنمود جمال و عاشق زارم کرد» با کدام بیت قرابت مفهومی

- که تا دور ابد باقی بر او حسن و ثنا آمد
- حسن چو جلوه می‌کند عشق زیاد می‌شود
- که یک دم از تو نظر بر نمی‌توان انداخت
- نامزد عشق تو آمد جهان

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۳۵- بیت: «گویند روی سرخ تو، سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) گرچه سیم و زر ز سنگ آید برون
  - (۲) گر به آتش بریم صد ره و بیرون آی
  - (۳) زر ز معدن سرخ روی آمد برون
  - (۴) چه آتش پاره‌ای بودی الا ای کیمیای دل
- در همه سنگی نباشد زرّ و سیم  
زر نابم که همان باشم اگر بگدازم  
صحبت ناجنس کردش روی زرد  
که از برقی مس آلوده با زنگار زر کردی
- دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۳۶- کدام بیت با سایر ابیات تقابل معنایی دارد؟

- (۱) اگر سالکی محرم راز گشت
  - (۲) عشق را با سر بریده گوید راز
  - (۳) راز درون پرده چه داند فلک؟ خموش
  - (۴) گر فلاطون به حکیمی مرض عشق بپوشد
- بسپندند بر وی در بازگشت  
زانکه داند که سر بود غمّاز  
ای مدعی نزاع تو با پرده دار چیست؟  
عاقبت پرده برافتد ز سر راز نهانش

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۰

۳۷- مفهوم بیت «من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت

- (۱) تا مرا با نقش رویش آشنایی اوفتاد
  - (۲) تا نپنداری که بعد از چشم خواب آلود، تو
  - (۳) گر تو انکار نظر در آفرینش می کنی
  - (۴) آن پری کز خلق پنهان بود چندین روزگار
- هرچه می بینم به چشم نقش دیوار آمدست  
تا برفستی خوابم اندر چشم بیدار آمدست  
من همی گویم که چشم از بهر این کار آمدست  
باز می بینم که در عالم پدیدار آمدست

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۱

## اخلاق

(۱۴) ناپایداری دنیا

(۱۵) ناپایداری قدرت

(۱۶) سر انجام همه مفلوقات مرگ است

(۱۷) مدارا با دوست و دشمن و فوبی در برابر بدی

(۱۸) نکوهش غفلت از فدا

(۱۹) از ماست که بر ماست !!!

(۲۰) ستایش صداقت و نکوهش دروغ

(۲۱) ستایش امید و نکوهش ناامیدی

(۲۲) ستایش سفاوت و نکوهش فساد

(۲۳) ستایش از خودگذشتگی و ایثار

(۲۴) توصیه به محبت به دیگران

(۲۵) جلوی ضرر را هر چه زودتر بگیری بهتر است !!

(۲۶) نفس اماره خود را بکشید قبل از آن که مرگ به سراغتان بیاید

(۲۷) اگر نیکی در حق مردم نمی کنی بدی هم نکن

(۲۸) نکوهش تقلید کورکورانه

(۲۹) نکوهش غرور و ستایش تواضع

(۳۰) ستایش مردمی بودن

## ۱۴) ناپایداری دنیا

- شد اوج وصل بر من مسکین حسیض هجر / دیشب سپهر بودم و امشب زمین شدم
- بر آن نسق نبود وضع روزگار که بود / زمان به رنگ دگر شد زمین به رنگ دگر
- جهان بر آب نهاده است و زندگی بر باد / غلام همت آنم که دل بر او نهاده
- چون هست و نیست هیچ نماند به فرار / آن به کز آن به یاد نیاید دل تو را
- چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین گهی زین به پشت
- بیخی نشان که دولت باقیست بردهد / کاین عمر گاه خزان است و گاه بهار
- بر مهر چرخ و شیوه ی او اعتماد نیست / ای وای بر کسی که شد ایمن ز مکر وی
- چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری / که تا بر هم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی
- گر ملک کائنات ز دستت برون شود / هان تا غمش ز جان نریاید دل تو را
- مرا زبخت همی گل شکفتی از برگل / به غیر خار نروید کنونم از بر خار
- بهار عمر مرا چو رسید فصل خزان / به کوه و صحرا خواهی خزان و خواه بهار
- زمانه شکل دیگر گشت و رفت آن مهربانی ها / همه خونابه حسرت شده است آن دوست کامی ها
- فراغت و طلب و امن عیش و شباب / ببرد از من یک یک زمانه غدار
- آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد / و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد
- جهان پیراست و بی بنیاد از این فرهاد کش فریاد / که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم
- اگر بودی جهان را پایداری / به هر کس چون رسیدی شهریاری
- می رود صبح و اشارت می کند / کاین گلستان خنده واری بیش نیست
- لاله و گل زخمی خمیازه اند / عیش این گلشن خماری بیش نیست
- تا به کی نازی به حسن عاریت / ماو من آینه داری بیش نیست
- برگ عدم سازکن دلا که در این عهد / عمر طبیعی نصیب برق و شراراست
- مهمان سراسرست خانه دنیا که اندراو / یک روز این بیاید و یک روز او رود
- بر کام دل به گردش ایام دل میند / کاین چرخ کج مدار نه بر آرزو رود
- جهان را چون رباطی با دودردان / که چون زین دردآیی بگذری زان
- الدهر یومان ، یوم لک و یوم علیک ( دنیا دو روز است، روزی با تو و روزی بر توست )
- در طبع جهان اگر وفایی بودی / نوبت به تو خود نیامدی از دگران



- آن که گویند که بر آب نهادست جهان / مشنوی خواجه که تا در نگری بر باد است
- یار ناپایدار دوست مدار / دوستی را نشاید این غدار
- خیمه انس مزین بر در این کهنه رباط / که اساسش همه بی موقع و بی بنیاد است
- سفله طبع است جهان بر کرمش تکیه نکن / ای جهان دیده ثبات قدم از سفله مجوی

## ۱۵) ناپایداری قدرت

- شمال و غرب و جنوب پریشان و آشفته اند، تاج ها درهم می شکند و امپراتوری ها به خویش می لرزد
- جز افسون و افسانه نبود جهان / که بستند چشم خشایارها
- تکیه بر اختر شب گرد مکن کاین عیار / تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو
- کمند صید بهرامی بیفکن جام جم بردار / که من پیمودم این صحرا نه بهرام است و نه گورش
- چندین تن جباران کاین خاک فروخورده است / این گرسنه چشم آخر هم سیر نشد ز ایشان
- کسی که تاج به سر داشت بامداد پگاه / نمازم او را خشت زیر سر دیدم
- بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ / در معرضی که تخت سلیمان رود به باد
- سر الب ارسلان دیدی ز رفعت رفته بر گردون / به مرو آ تاکنون در گل تن الب ارسلان بینی
- بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
- گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک / ز ایشان شکم خاک است آبستن جاویدان
- بسا کسا که مه و مهر باشدش بالین / به عاقبت ز گل و چوب گرددش بستر
- اصیحت امیراً و امسیت اسیراً

## ۱۶) سر انجام همه مخلوقات مرگ است

- از گزند داس دروگر وقت هیچ روینده را زنهار نیست
- گل همین پنج روز و شش باشد / وین گلستان همیشه خوش باشد
- لیک آن کس که زندگانی داد / داده خویش باز می خواهد
- زین ترش بودند در این زندان / مرگ را کند کی شود دندان
- هرکس راه خوابگاهی رفت / چون که هنگام خوابش آمد خفت

## ۱۷) مدارا با دوست و دشمن و خوبی در برابر بدی

- آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا
  - در میان جاهل و کامل بود فرقی سلیم / مدعی گر با تو بد باشد تو با او خوب باش
  - طریق زندگی با دوستان بنگر چسان است / تو را هرگاه می گویند با دشمن مدارا کن
  - آفرین بر دل نرم تو که از بهر ثواب / کشته غمزه خود را به نماز آمده ای
  - با تو گویم که چیست غایت حلم / هر که زهرت دهد شکر بخشش
- « اذهب الی فرعون انه طغی فقولاً به قولاً لیتنا »

## ۱۸) نکوهش غفلت از خدا

- شمع جویی و آفتاب بلند / روز بس روشن است و تو در شب تار
- سالها دل طلب جام جم از ما می کرد / و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد
- زهی نادان که او خورشید تابان / به نور شمع جوید در بیابان
- هست حق از ما به ما نزدیکتر / ما ز دوری گشته جویان در به در
- ای در میان جانم و جان از تو بی خبر / وز تو جهان پر است و جهان از تو بی خبر
- بیدلی در همه احوال خدا با او بود / او نمی دیدش از او دور خدایا می کرد
- معشوق تو همسایه دیوار به دیوار / در بادیه سرگشته شما در چه هوایید؟
- چه کنم با که توان گفت که دوست / در کنار من و من مهجورم
- غرق آبیم و آب می جوییم / در وصالیم و بی خبر از وصال
- آه کز روی دوست مهجوریم / یار ما با ما و ما از او دوریم
- آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم / یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم
- آفتاب آمد دلیل آفتاب / گر دلیلت باید از وی رو متاب

## ۱۹) از ماست که بر ماست !!!

- از درد برآینه دل کردندارم / دارم گله از چشم خود از درد ندارم
  - اگرشادی است مارا گرغم ازماست / که برما هرچه می آید هم ازماست
  - از که نالم که فغان زین دل ریش است مرا / هر بلایی که بود از دل خویش است مرا
  - اگر ز دست بلا بر فلک رود بد خوی / ز دست خوی بد خویش در بلا باشد
- کرم درخت از خود درخت است ( ضرب المثل )

## ۲۰) ستایش صداقت و نکوهش دروغ

- راستی مایه رضای خداست / کس ندیدم که گم شود از ره راست
- نقش کژ محو کن ز تخته دل / تا شود کشف بر تو هر مشکل
- راستی شغل نیک بختان است / هر که را هست نیکبخت آن است
- گر کجی را شقاوت است اثر / راستی را سعادت است اثر
- یوسف از راستی رسید به تخت / راستی کن که راست گردد تخت
- راستی مایه رضای خداست / کس ندیدم که گم شود از ره راست
- راستی را بقا کلید آمد / معجز از بحر آن پدید آمد
- چون ورا بود راست کرداری / خوب او گشت قفل بیداری
- راستی کن که راستان رستند / در جهان راستان قوی دستند
- هر که او پیشه راستی دارد / نقد معنی در آستین دارد
- راستی زهری است شکرین انجام / کج نباتی که تلخ سازد کام
- راستی کن که اندرین دسته / نشوی جز به راستی رسته
- راست شو تا به راستان برسی / خاک شو تا بر آستان برسی
- در خیال دروغ بی مددی است / راستی حکم نامه ابدی است
- راستی کن که در دو جهان / به جز از راستیت برهاند
- راستی آور که شوی رستگار / راستی از نظر تو ظفر از کردگار
- عاشقی چیست به جان بنده جانان بودن / گر لبش جان طلبد دادن و خندان بودن

## ۲۱) ستایش امید و نکوهش ناامیدی

- صبح امید که بد معتکف پرده غیب / گو برون آی که کارشب تارا آخرشد
- بعد نوامیدی بسی امیداست / ازاین پس ظلمت دوصد خورشیدهاست
  - پس از تیرگی روشنی گیرد آب / برآید پس از تیره شب آفتاب
  - اگر چند باشد شب دیر باز / بر او تیرگی نماند دراز
  - نا امید از روشنی ای دل به تاریکی مباش / زان که شام هجر را صبح وصالی در پی است

## ۲۲) ستایش سخاوت و نکوهش خساست

- شلخته دروکنید تا چیزی گیر خوشه چین ها بیاید .
- ثوابت باشد ای دارای خرمن / اگر رحمی کنی بر خوشه چینی
  - پدرم دریا دل بود ، در لاتی کار شاهان را می کرد
  - در کوی می کشان نبود راه بخل را / این جا ز دست خشک سبوی آب می چکد

## ۲۳) ستایش از خودگذشتگی و ایثار

- معاش اهل مروت بدین نسق بوده است / که جان خود به مروت نثار می کردند
- به اتفاق ز بهر حیات یکدیگر / هلاک خویش همه اختیار می کردند
- و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه

## ۲۴) توصیه به محبت به دیگران

- ای صاحب کرامت شکرانه سلامت / روزی تفقدی کن درویش بی نوا را
- ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون / نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا
- ای شر از همهران غافل مباش / فرصت ما نیز باری بیش نیست
- دریاب کنون که نعمتت هست به دست / کاین دولت و ملک می رود دست به دست
- زمانه در گذر است و عجل ز پی تازان / به هوش باش که فرصت ز دست نگذری
- هر که فریاد رس روز مصیبت خواهد / گو درایام سلامت به جوانمردی کوش

- ببخشای بر مردم مستمند / نیاور دلش سوی درد و گزند
- نیم نانی گر خورد مرد خدا / بذل درویشان کند نیمی دگر
- به نوبت اند ملوک اندر این سپنج سرای / و کنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای
- توانگرا دل درویش خود به دست آور / که مخزن زر و گنج و درم نخواهد ماند
- دایم گل این بستان شاداب نمی ماند / دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

### **(۲۵) جلوی ضرر را هر چه زودتر بگیری بهتر است !!**

- سر گرگ باید هم اول برید / نه چون گوسفندان مردم درید
- ببند ای پسر دجله در آب کاست / که سودی ندارد چو سیلاب خاست
- سرچشمه شاید گرفتن به بیل / چو پر شد نشاید گذشتن به پیل
- هر غمی را فرجی است و لیکن ترسم / پیشم از آنم بکشد زهر که تریاق رسد
- مکافات مودی به مالش نکن / که بیخس برآورد باید ز بن
- مکن صبر بر عامل ظلم دوست / چه از فریبهی بایدش کند پوست
- امروز بکش چو می توان کشت / کآتش چو بلند شد جهان سوخت

### **(۲۶) نفس اماره خود را بکشید قبل از آن که مرگ به سراغتان بیاید**

بمیرید پیش از آن که بمیرید

- بمیر ای دوست پیش از مرگ، دمی گر زندگی خواهی / که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما
- همان به کین نصیحت یاد گیریم / که پیش از مرگ یک نوبت بمیریم
- پیش از آن کن حساب خود که تو را / دیگری در حساب گیرد سخت
- آخر کار نیست خواهی شد / نیست شو پیش از آن که نیست شوی

### **(۲۷) اگر نیکی در حق مردم نمی کنی بدی هم نکن**

- امیدوار بود آدمی به خیر کسان / ما را به خیر تو امید نیست شرمسان
- اگر به جای خلق نیکویی نتوان کردن ، باری بدخویش ازایشان بازدار

- از طلا گشتن پشیمان گشته ایم / مرحمت فرموده ما را مس کنید
- دانی چه کنی؟ مرا به من بازگذار / وین دست عنایت از سر من بردار

### ۲۸) نکوهش تقلید کورکورانه

- کرد فراموش ره و رفتار خویش / مانده غرامت زده از کار خویش
- در چابکی طریق تو ورزند نیکوان / لیکن خرام کبک دری نیست کار زاغ
- کلاغی تک کبک در گوش کرد / تک خویشتن را فراموش کرد
- پی تقلید رفتن از کوری است / در هر کس زدن ز بی نوری است
- مشو مقلد همراه اگر چه توفیق است / که از جریده روی کار مهر بالا گرفت
- از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال / هر که گردد خم نشین باید که افلاطون شود

### ۲۹) نکوهش غرور و ستایش تواضع

- ز مغرور دنیا ره دین مجوی / خدا بینی از خویشتن بین مجوی
  - به هر بدت خرسند باید بدن / که از بد بدتر نیز شاید بدن
  - بزرگان نکردند در خود نگاه / خدایینی از خویشتن بین مخواه
  - طریقت جز این نیست درویش را / که افکنده دارد تن خویش را
- ( مفهوم متن مستوجب آتش و غرور شکنی کتاب سال چهارم )

### ۳۰) ستایش مردمی بودن

- مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخورد و بخسبد و بخرد و بفروشد و زن خواهد .
- نیست بازآمدن از فکر و خیال تو مرا / با رفیقان موافق سفر دور خوش است

## تستهای مفاهیم مرتبط با مقوله اخلاق

۳۸- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) تواضع مرد را دارد گرامی
- (۲) ای برادر چو عاقبت خاک است
- (۳) در بهاران کی شود سرسبز سنگ
- (۴) تواضع ز گردن فرازان نکوست

- ز کبر آید بدی در نیک نامی
- خاک شو پیش از آن که خاک شوی
- خاک شو تا گل برآید رنگ رنگ
- گدا گر تواضع کند خوی اوست

سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - جامع ۳ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۳

۳۹- مفهوم عبارت: «الهی، روا مدار که پنهان ما از پیدای ما ناستوده تر باشد و در ورای صورت آراسته‌ی ما سیرتی زشت و

ناهموار نهفته باشد.» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) هم به صورت واله‌ی انوار پیدایت منم
- (۲) کنون که صاحب مژگان شوخ و چشم سیاهی
- (۳) من غلام نظر آصف عهدم کو را
- (۴) صورتت یک‌باره از آدم نمود از قید هستی

- هم به معنی واقف اسرار پنهانم تویی
- نگاه‌دار دلی را که برده‌ای به نگاهی
- صورت خواجگی و سیرت درویشان است
- پی به معنی برده‌ام در عالم صورت پرستی

۹۰ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۲

۴۰- مفهوم عبارت «هرکه آن‌جا نشیند که خواهد و مرادش بود، چنانش گُشند که نخواهد و مرادش نبود»، با کدام بیت متناسب است؟

- (۱) هرکه بر خویشتن نبخشاید
- (۲) هرکه را بر بساط بنشستی
- (۳) هرکه نشیند به جای خویشتن
- (۴) هرکه بر خود در سؤال گشاد

- گر نبخشید بر او کسی، شاید
- واجب آمد به خدمتش برخاست
- افتد و بیند سزای خویشتن
- تا بمیرد نیازمند بود

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۸۹

۴۱- مفهوم «یُوثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) مردی است سخا پیشه و مردی است عطابخش
- (۲) سخای ابر از آن آمد جهان‌گیر
- (۳) دریای لطف اوست و گرنه سحاب کیست
- (۴) گر چه مورم ولی آن حوصله با خود دارم

- با خلق نکوکار به کردار و به گفتار
- که در طفلی گیاهی را دهد شیر
- تا بر زمین مشرق و مغرب کند سخا
- که ببخشیم بود از ملک سلیمان

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۱

۴۲- بیت «امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) گاهی از خاک درت مرهم به زخم ما بیند
- (۲) مرا وصال تو نباید همان امید خوش است
- (۳) سنان جور بر دل ریش کم زن
- (۴) از پیش کسی کار کسی نگشاید

- این چنین مگذار ما را یا رها کن یا بیند
- نه هر که رفت، رسید و نه هر که کشت، درود
- چو مرهم می‌نسازی نیش کم زن
- امید به کردگار می‌باید داشت

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - ۹۰

۴۳- مفهوم بیت «امیدوار بود آدمی به خیر کسان

است؟

(۱) امید وفا داریم و هیاهات که امروز  
(۲) چون نیاموختی چه دانی گفت  
(۳) طلب مکن ز لئیمان نوای عیش و طرب  
(۴) ز دست ما عمل خیر اگر نمی آید

است؟

۴۴- آزمایشی سنجش - تجربی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله چهارم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله چهارم

۴۴- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

(۱) آتش به دودست خویش در خرمن خویش  
(۲) گرچه دانم که نیک بد کردم  
(۳) کفن بر تن تند هر کرم پیله  
(۴) من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من

(۱) آتش به دودست خویش در خرمن خویش  
(۲) گرچه دانم که نیک بد کردم  
(۳) کفن بر تن تند هر کرم پیله  
(۴) من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۱

۴۵- مفهوم عبارت «شاهین تیز بال افقها بدم، زنبوری طفیلی شدم» با کدام بیت تناسب دارد؟

همچون دم مسیح بدو روح پرورم  
منت خدای را که سلیمان عالمم  
مشکین کمند سازم از آن زلف شست خم  
ایام خرمی شد و آمد زمان غم

(۱) بادی که صبحدم به من آید ز کوی تو  
(۲) تا دست من به خاتم لعلت رسیده است  
(۳) دستم به زلفت ار رسد ای جان نازنین  
(۴) باریدم آب دیدم و گفتم به سوز دل

چهارم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - مرحله چهارم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله چهارم

۴۶- مفهوم بیت «که گر عرشی به فرش آبی و گر ماهی به چاه افتی / وگر بحری تهی گردی و گر باغی خزان بینی» با کدام بیت تناسب دارد؟

که از تیسر کج نیست پروا نشان را  
که گاه مردم از او شادمان و گاه ناشاد  
کش صعودی نبود کاو نه هیوطی ز پی است  
کاین حصار بی بلند و بی در است

(۱) فلک را مترسان به آه دروغی  
(۲) خدای عرش جهان را چنین نهاد  
(۳) گر نوزاد فلکت غره مباح از پی آن  
(۴) زین فلک بیرون تو کی دانی که چیست

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۴۷- مفهوم همه‌ی ابیات به استثنای بیت ..... در کمانک مقابل آن درست است.

چه سازم به خاری که در دل نشیند (جاودانگی غم عشق)  
آفتابیش در میان بیسنی (وحدت وجود)  
یک جا فدای قامت رعنا کنم تو را (مقدم شمردن عشق)  
زلفش به دستم می دهد سررشته‌ی آمالها (ناامید شدن)

(۱) خلد گر به پا خاری آسان برآید  
(۲) دل هر ذره را که بشکافی  
(۳) طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند  
(۴) هر چند صائب، می روم سامان نومییدی کنم

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله چهارم



۴۸- مفهوم کلی «المُلْكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) چون دهد ملک خدا باز هم او بستاند
- (۲) خطر هاست در کار شاهان بسی
- (۳) هر کجا ظلم رخت افکنده است
- (۴) ظلم تاریک و دل سیه نکندت

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۲

۴۹- مفهوم ابیات

«جامه کعبه را که می بوسند

با عزیزی نشست روزی چند

مصدق همه ابیات به جز بیت ..... است.

- (۱) از ابلیس هرگز نیاید سجود
- (۲) از بدان بد شوی ز نیکان نیک
- (۳) نیک نام از صحبت نیکان شوی
- (۴) هم نشین تو از تو به باید

سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - تجربی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله سوم

۵۰- مفهوم رباعی

«آن قصر که جمشید در او جام گرفت

بهرام که گور می گرفتی همه عمر

با همه ی ابیات به جز بیت ..... تناسب دارد.

- (۱) اگر ز آهنی چرخ بگدازدت
- (۲) دو نوبت حذر از در جنگ نیست
- (۳) به گیو آن گهی گفت بهرام گرد
- (۴) سرت گر بساید بر ابر سیاه

سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - تجربی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله سوم

۵۱- عبارت «سیم بخیل از خاک وقتی برآید که وی در خاک رود»، با کدام بیت تناسب معنی دارد؟

(۱) آن که به کاوش کشی از وی خوری

(۲) خاک خور و نان بخیلان مخور

(۳) دونان چو گلیم خویش بیرون بردند

(۴) رشکم آید به مقیمان سرا پرده ی خاک

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله چهارم

۵۲- مفهوم بیت «بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد» با همهی ابیات به جز بیت ..... تناسب دارد.

- |                                  |                           |
|----------------------------------|---------------------------|
| (۱) اگر باره‌ی آهنی به پای       | سپهرت بساید نمانی بجای    |
| (۲) اگر با تو گردون نشیند به راز | نیابی هم از گردش او جواز  |
| (۳) اگر پور زالی و گر پیر زال    | به دوران نمانی شوی پایمال |
| (۴) اگر لب به بندی زبهر گزند     | نکویی زنان را بود سودمند  |

مرحله دوم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - مرحله دوم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله دوم

۵۳- بیت: «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروّت با دشمنان مدارا» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

- |   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| (۱) مه نور از آن گرفت کز شب نرمید             | گل بوی بدان گرفت که با خار بساخت      |
| (۲) بختش یار است، هر که با یار بساخت          | بردارد کام، هر که با کار بساخت        |
| (۳) اهل دل را به دل و اهل نظر را به نظر       | دوستانان زبان را به زبان باید جست     |
| (۴) ما و دشمن دوستی، این رسم، رسم تازه‌ای است | ور نه هر مو بر تن ایام دشمن، دشمن است |

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۰

۵۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- |                                       |                                 |
|---------------------------------------|---------------------------------|
| (۱) به صدق کوش که خورشید زاید از نفست | که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست |
| (۲) راستی آموز بسی جو فروش            | هست در این کوی که گندم نماست    |
| (۳) هر که سر در پای منظوری نباخت      | راستی نیکو سرانجامی نداشت       |
| (۴) از آن صبح نخستین بی فروغ است      | که لاف روشنی از وی دروغ است     |

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۱

۵۵- کدام بیت بیانگر مفهوم این عبارت است؟ «سیم بخیل از خاک وقتی برآید که وی در خاک رود»

- |                                    |                                  |
|------------------------------------|----------------------------------|
| (۱) پیله که از برگ گیا کرده نوش    | برهنه‌ای بیینی آفاق پوش          |
| (۲) خاک خور و نان بخیلان مخور      | خار نه‌ای زخم ذلیلان مخور        |
| (۳) در من منگر تا دگران چشم ندارند | کز دست گدایان نتوان کرد ثوابی    |
| (۴) نعمت همه آن داند کز خاک برآید  | با خاک همان خاک نکو آید و در خور |

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۲

۵۶- مفهوم عبارت «چه عظیم‌اند مردانی که عظمت این فرمان شگفت را شنیده‌اند و آن را به کار بسته‌اند که: بمیرید، پیش از آن که بمیرید!» با همه ابیات به جز بیت ..... تناسب دارد.

- |                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| (۱) ای حیات عاشقان در مردگی    | دل نیسایبی جز که در دل بردگی  |
| (۲) دی بمرد و من بمردم از غمش  | شد جهان بر من سیاه از ماتمش   |
| (۳) به مرگ اختیاری میر باری    | که مرگ اضطراری نیست کاری      |
| (۴) بمیر ای بی‌خبر گر می‌توانی | به مرگی کان به است از زندگانی |

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۱ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۱

۵۷- مفهوم کنایی ضرب‌المثل « از ماست که بر ماست» در کدام بیت وجود ندارد؟

- (۱) کاملان از عیب خود بیش از هنر یابند فیض
  - (۲) نیست خصمی آدمی را غیر خود چون عنکبوت
  - (۳) می‌کنند در راه خود دام گرفتاری به خاک
  - (۴) سرشکم آمد و عیبم بگفت روی به روی
- دیپستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۵۸- مفهوم «حاسبوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- (۱) اگر تو ز آموختن سر بتابی
  - (۲) همی تا کند پیشه عادت همی کن
  - (۳) به چهره شدن چون پری کی توانی؟
  - (۴) هم امروز از پشت بارت بیفکن
- دیپستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله پنجم

۵۹- بیت «بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است  
دارد؟

- (۱) من عمر خویش را به صبوری گذاشتم
  - (۲) به گردن در آتش درافتاده‌ای
  - (۳) عمر اگر خوش گذرد زندگی نوح کم است
  - (۴) وام جهان است تو را عمر تو
- دیپستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۸۹

۶۰- مفهوم بیت: «سال‌ها تو سنگ بودی دل خراش  
..... تناسب دارد.

- (۱) افتادگی برآورد از خاک دانه را
  - (۲) تا بر سر دیده جا دهندت مردم
  - (۳) بگشای پرده چشم حقیقت نمای را
  - (۴) حافظ افتادگی از دست مده زان که حسود
- دیپستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - انسانی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۶۱- مفهوم عبارات «کجا هستند پادشاهانی که به هنگام نوشیدن ساغر مرگ، در این کاخ‌ها فرمانروایی می‌کردند؟ چه بناهایی که صبح برپا بود و عصر ویران گشت!» با همی ابیات به استثنای بیت ..... تناسب دارد.

- (۱) خون دل شیرین است آن می که دهد رزین
  - (۲) چندین تن جباران کاین خاک فروخورده است
  - (۳) گفستی که کجا رفتند آن تاجوران اینک
  - (۴) پرویز به هر بومی زرین تره آوردی
- دیپستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۱

۶۲- بیت: «گفتی که کجا رفتند آن تاجوران، اینک/ ز ایشان شکم خاک است آبتن جاویدان» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) هر که آمد گل زباغ زندگانی چید و رفت
- (۲) و امروز اندر این منزل تو را جانی زیان آمد
- (۳) بسا کسا که مه و مهر باشدش بالین
- (۴) آن که دامن بر چراغ عمر می زد این زمان

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - جامع ۱

۶۳- مفهوم کدام ابیات یکسان است؟

- (الف) بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
  - (ب) آسایش امروزه شده در دسر اما
  - (ج) جایی که تخت و مسندجم می رود بر باد
  - (د) به آب و خاک جهان دل منه که خانه‌ی عمر
  - (ه) بریز باد که دستور منع می امشب
- (۱) الف، ج، ه (۲) الف، ج، د (۳) د، ب، ه (۴) ج، ه، ب

سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - انسانی - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - هنر - جامع ۲

۶۴- بیت: «شمع جویی و آفتاب بلند روز بس روشن تو در شب تار» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) چرا صدف نکند چاک سینه را صائب
- (۲) از خود نشناسان مطلب دیده‌ی حق بین
- (۳) ما را چو سایه دیدی از پای در فتاده
- (۴) ما عبث در سینه‌ی دریا نفس را سوختیم

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۰

۶۵- مفهوم همه‌ی ابیات به جز بیت ..... فرجام بد آدمی، نتیجه‌ی اعمال اوست.

- (۱) انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس
- (۲) جهان را نباید سپردن به بد
- (۳) گفتا که: که را کشتی تا کشته شدی زار
- (۴) زیلدها نباید پرهیز کرد

هی - آزمایشی سنجش - تجربی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله پنجم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله پنجم

# عرفان

(۳۱) توصیه به نگرش با بصیرت

(۳۲) نکوهش نگرش علمی و جزء نگر و ستایش نگرش باطن بین

(۳۳) ستایش قناعت و نکوهش طمع

(۳۴) ستایش آزادگی ( بی توبه‌ی به دنیا و مادیات )

(۳۵) ستایش آزادگی پیشرفته ( بی توبه‌ی به دنیا و آخرت و هدف را خود فدا قرار دادن )

(۳۶) راز فلقت را هیچکس نمی تواند دریابد

(۳۷) عظمت دل به دلیل جایگاه عشق فدا بودن

(۳۸) اوج مقام و تعالی انسان

## **(۳۱) توصیه به نگرش با بصیرت**

□ به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

□ الهی به بهشت و حور چه نازم؛ مرا دیده ای ده که از هر نظر بهشتی سازم

□ بکوش تا عظمت در نگاه تو باشد نه در چیزی که به آن می نگری

□ من نمی دانم که چرا می گویند اسب حیوان نجیبی است / کبوترزیباست . / و چرا در قفس هیچ کسی کرکس

نیست / گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد ؟

□ اختلافی که هست در نام است / ورنه سی روز بی گمان ماهی است

ورهنری داری و هفتادعیب / دوست نبیند مگر آن یک هنر

گفت از خوبان تو افزون نیستی / گفت خامش چون تو مجنون نیستی

□ من عاشقم و دلم بدو گشت تباہ / عاشق نبود ز عیب معشوق آگاه

- چشمان نظر به میوه کنند / ما تماشا کنان بستانیم
- تو به سیمای شخص می نگری / ما در آثار صنع حیرانیم
- جهان را سر به سر آینه می دان / به هر یک ذره ای صد مهر تابان
- اگر یک را قطره را دل برشکافی / برون آید از آن صد بحر صافی
- به هر جزئی ز خاک از بنگری راست / هزاران آدم اندر او هویداست
- درون حبه ای صد خرمن آمد / جهانی اند دل یک ارزن آمد
- به زیر پرده هر ذره پنهان / جهان جان فزای روی جانان

### ۳۲) نکوهش نگرش علمی و جزء نگر و ستایش نگرش باطن بین

شگفتا! نگاه های لوکس مردم آسفالت نشین شهر، آن را کهکشان می بیند و دهاتی های کاه کش کویر، شاهراه علی و راه کعبه!

- کلمات را کنار زنید و روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است تماشا کنید
- هر سال که یک کلاس بالاتر می رفته از زیباییها و لذت ها و چهره های پر از ماورا محروم تر می شدم
- دیدارها همه بر خاک و سخن ها همه از خاک!
- به این علم عددبین مصلحت اندیش آلود...
- شکوه و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکش رویم از دستش داده ایم...
- لطافت زیبای گل در زیر انگشتهای تشریح می پژمرد!
- کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ، کار ما شاید این است، که میان گل نیلوفر و قرن، پی آواز حقیقت بدویم

### ۳۳) ستایش قناعت و نکوهش طمع

- بسیار کس ز پای در آورد اسب آز / او را مگر نبود لگام و دهانه ای
- پرواز کن ولی نه چندان دور از آشیان / منمای فکر و آرزوی جاهلانه ای
- تنم را در قناعت زنده دل دار / مزاجم را به طاعت معتدل دار
- در قناعت لب خشک و مژه پر نم نیست / عالمی هست در این گوشه که در عالم نیست
- آسودگی به کنج قناعت نشستن است / سیر بهشت در گرو چشم بستن است
- هر که آن جا نشیند که خواهد و مرادش بود چنانش کشند که نخواهد و مرادش نبود

### ۳۴) ستایش آزادگی (بی توجهی به دنیا و مادیات)

- آن که دل بگسلد از هر دو جهان درویش است / آن که بشکفت ز پیدا و پنهان درویش است
- پس از سی سال روشن گشت بر خاقانی این معنی / که سلطانی است درویشی و درویشی است سلطانی
- آرزوهای دو عالم دستگاه / از کف خاکم غباری بیش نیست
- فاش می گویم و از گفته خود دلشادم / بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
- چشم همت نه به دنیا که به عقبی نبود / عارف عشق شوریده سرگردان را
- به پادشاهی عالم فرو نیارد سر / اگر ز سر قناعت خبر شود درویش
- دولت فقر خدایا به من ارزانی دار / کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
- در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است / خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی
- آسودگی به کنج قناعت نشستن است / سیر بهشت در گرو چشم بستن است
- صبر کن با فقر و بگذار این ملال / زانک در فقر است نور ذوالجلال
- یک قدم بر سر وجود نهی / وان دگر در بر ودود نهی
- در قناعت لب خشک و مزه پر نم نیست / عالمی هست در این گوشه که در عالم نیست
- کسی ز قید خزان و بهار شد آزاد / که همچو سرو از این باغ چید دامن را
- بر روزه قناعت خود صبر می کنیم / گر جان به لب رسد غم دنیا نمی خوریم
- به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلخ / که کار منت خود به که بار منت خلق
- که از دست رنج خویش و تره / بهتر از نان ده خدا وبره
- اگر خواهی که به ما رسی خود را بر در بگذار و درآی

### ۳۵) ستایش آزادگی پیشرفته (بی توجهی به دنیا و آخرت و هدف را خود خدا قرار دادن)

- می بهشت نوشم ز جام ساقی رضوان / مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم
- به مجمعی که درآیند شاهدان دو عالم / نظر به سوی تو دارم غلام روی تو باشم
- گر نباشد هر دو عالم گو مباش / تو تمامی با تو ام تنها خوش است
- هیچ از دنیا و عقبی نبود گوشه خاطر / که به دیدارتو شغل است و فراغ ازدو جهانم
- چه خوش تر از مشک است بوی یار من / مشک یا عنبر چه کارآید مرا
- و گر بهشت مصور کنند عارف را / به غیر دوست نشاید که دیده بردارد

- الهی ؛ گل‌های بهشت در پای عارفان خار است ، جوینده تو را با بهشت چه کار است
- سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض / به هوای سر کوی تو برفت از یادم
- روز رستاخیز کانجا کس نپردازد به کس / من نپردازم به هیچ از گفت و گوی یار خویش
- روز حشر برآیم سر ز خواب اجل / به روی دوست شود باز چشم بسته من
- گرنه روی تو بود من چه کنم باغ بهشت / نتوان بهر گل و میوه به زندان بودن
- خود با دو جهان چه کار ما را؟ / ما عاشق چهره نگاریم
- از سر بیرون نکنم آرزوی خاک درت / در آن زمان که مرا خاک بر سر انبارند
- از آن به خاک درت مست می سپارم جان / که هم به کوی تو مستم به خاک بسپارند
- به امید آن که بر من بگذری / با زمین یکسان شدم ای جان من
- شد خاک بر درش سر جامی ولی هنوز / سودای پای بوس وی از سر به در نکرد
- آتش عشق تو در سینه من ننشیند / مگر آن روز که در خاک نشانی بدنم

### ۳۶) راز خلقت را هیچکس نمی تواند دریابد

- آنان که محیط فضل و آداب شدند / در جمع کمال شمع اصحاب شدند
- ره زین شب تاریک نبردند برون / گفتند فسانه ای و در خواب شدند
- آنکه پر نقش زد در این دایره مینایی / کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد
- کس ز آغاز و ز انجام جهان آگه نیست / اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است
- جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه / چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

### ۳۷) عظمت دل به دلیل جایگاه عشق خدا بودن

- بروطواف دلی کن که کعبه مخفی است / که آن خلیل بناکرد و این خداخودساخت
- بدین فردی که آمد حبه دل / خداوند دو عالم راست منزل
- آئینه سکندر جام می است بنگر / تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
- کعبه خود سنگ نشانی است که ره گم نشود / حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست
- صوفی بیا که کعبه مقصود در دل است / حاجی به هرزه راه بیابان گرفته است



## ۳۸) اوج مقام و تعالی انسان

- تا به جایی می رسی که می نرسد / پای اوهام و پایه افکار
- از جمادی مردم و نامی شدم / و ز نما مردم ز حیوان سر زدم
- و ز ملک بایدم پران شوم / آن چه اندر وهم نیاید آن شوم
- رسد آدمی به جایی که جز خدا نبیند / بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت
- بار یابی به محفلی کان جا / جبرئیل امین ندارد بار
- شبی برنشست از فلک بر گذشت / به تمکین و جاه از ملک برگذشت
- چنان گرم در تیه قربت براند / که در سدره جبرئیل از او باز ماند
- مگر آدمی نبودی که اسیر دیو ماندی / که فرشته ره ندارد به مکان آدمیت

## تستهای مفاهیم مرتبط با عرفان

۶۶- مفهوم دوبیتی زیر در همهی ابیات به استثنای بیت ..... وجود دارد.

- |  |   |
|--|---|
| «یکی درد و یکی درمون پسند<br>مو از درمون و درد و وصل و هجرون | یکی وصل و یکی هجرون پسند<br>پسندم آنچه را جانون پسند» |
| (۱) هرکسی را سر چیزی و تمنای کسی است                         | ما به غیر تو نداریم تمنای دگر                         |
| (۲) فراق و وصل چه باشد رضای دوست طلب                         | که حیف باشد از او غیر او تمنایی                       |
| (۳) عاشقان را بر سر خود حکم نیست                             | هرچه فرمان تو باشد، آن کنند                           |
| (۴) سعدی به قدر خویش تمنای وصل کن                            | سیمرغ ما چه لایق زاغ آشیان توست                       |

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۳

۶۷- مضمون همهی ابیات به استثنای بیت ..... با یکدیگر تناسب دارد.

- |  |                                      |
|--|--------------------------------------|
| (۱) دانی که خببر زعشوق دارد؟             | آن کز همه عالمش خبر نیست             |
| (۲) در ازل بسست دلم با سر زلفت پیوند     | تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود      |
| (۳) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست    | دیرگاهی است که من بلبل این بستانم    |
| (۴) پیش از آب و گل من دردل من مهر تو بود | با خود آوردم از آنجا نه به خود برستم |

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۱

۶۸- مفهوم «دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی  
بیت متناسب است؟

- |  |   |
|--|---|
| (۱) بهشت و بوستان بی دوست زشت است      | به روی دوستان زندان بهشت است            |
| (۲) جهان را چون رباطی با دو در دان     | که چون زین در درآیی بگذری زان           |
| (۳) دست و پاییی زدیم درنگرفت           | پسشت پاییی زدیم و وارستیم               |
| (۴) دیده‌ی یوسف شناسی نیست در مصر وجود | ورنه با این تیرگی زندان دنیا هم خوش است |

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۱

۶۹- مفهوم بیت: «بشکن دل بی‌نوای ما را ای عشق/ این ساز شکسته‌اش خوش آهنگ‌تر است» با کدام بیت تناسب دارد؟

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| (۱) عاشق از طعنه‌ی اغیار چه پروا دارد؟  | آتش از سرزنش خار چه پروا دارد؟       |
| (۲) روح شکسته بال را تا پر و بال می‌شود | رخنه‌ی ملک دل مکن خنده‌ی دل گشای را  |
| (۳) در دو عالم گرهی نیست که نگشاید عشق  | عاشق از عقده‌ی افلاک چه پروا دارد؟   |
| (۴) چشم پر خون، صدف گوهر یک‌دانه‌ی اوست | دل هرکس که شود زیر و زبر خانه‌ی اوست |

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۷۰- مفهوم عبارت «پس پاهایش ببردند، تبسمی کرد و گفت: بدین پای سفر خاک می‌کردم، قدمی دیگر دارم که هم‌اکنون سفر هر دو عالم کند.» با همهی ابیات به‌جز بیت ..... تناسب دارد.

- (۱) مرد را هرچند تنهایی کند کامل عیار صحبت یاران یک دل‌کیمیایی دیگر است
  - (۲) ترک دنیا کرده را بر فرق سر ترک کلاه بر سپهر سروری بال‌های دیگر است
  - (۳) گرچه می‌گردد علم هرکس که از دنیا گذشت از دو عالم هرکه برخیزد لوی دیگر است
  - (۴) عشق را بی‌دست و پای دیگر است راه گم کردن در این ره رهنمای دیگر است
- دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - هنر - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۷۱- در مفهوم همهی ابیات به‌استثنای بیت ..... شاعر، مال و منال دنیایی را موجب خوشبختی نمی‌داند و حتی آسودگی را در عدم تعلقات دنیایی می‌جوید.

- (۱) فراوان خزیننه فراوان غم است کم است انده آن را که دنیا کم است
  - (۲) هر جا که دلی هست ز غم فرسوده است کس نیست که از رنج جهان آسوده است
  - (۳) غم موجود و پریشانی معدوم ندارم نفسی می‌زنم آسوده و عمری به سرآرم
  - (۴) مگو در بی‌غمی آسودگی هست که غم‌گر هست در عالم همین است
- دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۰

۷۲- مفهوم همهی ابیات به‌استثنای بیت ..... با یک‌دیگر تناسب دارد.

- (۱) تنگ چشمان چشم خود بر رزق مهان می‌نهد از طمع چون آسان بر سر نان می‌نهند
  - (۲) تنگ چشمان نظر به میوه‌کنند ما تماشاکنان بسستانیم
  - (۳) راست گفت اندر این حدیث آن مرد آز را خاک سیرر داند کرد
  - (۴) روده‌ی تنگ به یک نان تهی پر گردد نعمت روی زمین پر نکند دیده‌ی ننگ
- دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - انسانی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۷۳- کدام بیت از نظر مفهوم، عبارت زیر را کامل می‌کند؟

«فراغت با فاقه نیوندد و جمعیت در تنگ‌دستی صورت نبندد، یکی تحرمة‌ی عشا بسته و دیگری منتظر عشا نشسته، هرگز این بدان کی ماند؟»

- (۱) کریمان را به دست اندر درم نیست خداوندان نعمت را کرم نیست
  - (۲) شب پراگنده خُسب آن که پدید نبود وجه بامدادانش
  - (۳) خداوند مکننت به حق مشغول پراگنده روزی، پراکنده دل
  - (۴) توانگران را وقف است و نذر و مهمانی زکات و فطره و اعتقاق و هدی و قربانی
- دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله چهارم

۷۴- مفهوم کدام بیت در کمانک مقابل آن نادرست است؟

- (۱) سر گرگ باید هم اول برید
  - (۲) بد اصل گدا چو خواجه گردد نه نکوست
  - (۳) بسسیار کس زیبای در آورد اسب از
  - (۴) باران چو پیایی شد گردند ملول از وی
- نسه چون گوسفندان مردم درید  
(علاج واقعه قبل از وقوع)  
مغرور شود نداند از دشمن دوست  
(کل اناء یترشح بما فیه)  
او را مگر نبود لگام و دهانه‌ای  
(افسار گسیختگی)  
و آن گه که نبارد هیچ وصلش به دعا خواهند  
(دوری و دوستی)

هی - آزمایشی سنجش - تجربی - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله پنجم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله پنجم

۷۵- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) دوست به دنیا و آخرت نتوان داد
  - (۲) دوست گو یار شو و هر دو جهان دشمن باش
  - (۳) طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند
  - (۴) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
- صحبت یوسف به از دراهم (درهم) معدود  
بخت گو پشت مکن روی زمین لشکرگیر  
یک جا فدای قامت رعنا کنم تو را  
دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را  
دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله دوم

۷۶- مفهوم عبارت زیر با کدام بیت متناسب است؟

- «مولانا فقر اختیاری را بر مکنت و تجمل رایج در دستگاه صدرالدین، شیخ الاسلام شهر، ترجیح می‌داد و از آن هیچ‌گونه ناخرسندی نشان نمی‌داد.»
- (۱) کجا به خانه نشیند مگر بود محبوس
  - (۲) اگر چو سرو تهی دست می‌روی بر او
  - (۳) هزار سختی اگر بر من آید آسان است
  - (۴) اگر قراضه‌ی زر بر کف است همچون گل
- کسی که پرورش او به باغ و بستان است  
مرو که او متنفر ز تنگدستان است  
که دوستی و ارادت هزار چندان است  
ز نور عارض او مجلس گلستان است

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۰

۷۷- دو بیت زیر، با هم‌ای ابیات به استثنای ..... تناسب مفهومی دارد.

- «جان که دور از یگانگی باشد  
کش سوی علو خود سفر نبود  
(۱) آن قدر در شهر تن ماندی اسیر  
(۲) تا به کی ای هدهد شهر سبا  
(۳) کز جهان زنده ز اول آمدیم  
(۴) حب دنیا هست رأس هر خطا
- دان که چون مرغ خانگی باشد  
پر بود لیک اوج پر نبود  
کان وطن یکباره رفتت از ضمیر  
در غریبی مانده باشی بسته پا  
باز از پستی سوی بالا شدیم  
از خطا کی می‌شود ایمان عطا؟

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله پنجم

۷۸- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) برو طواف دلی کن که کعبه‌ی مخفی است
- (۲) روی من در توست آمد شد به سوی دیگران
- (۳) صدق در طواف چو باشد حرم و دیر یکی است
- (۴) یا رب این کعبه‌ی مقصود تماشاگه کیست

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - ریاضی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ (سراسری - آزاد)

۷۹- بیت «چشم دل باز کن که جان بینی» آن‌چه نادیدنی است آن بینی» با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- (۱) چشم سر داد و چشم سر ایزد
- (۲) چشم مکن باز به نادیدنی
- (۳) تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان بین
- (۴) چشم آسایش که دارد از سپهر تیز رو

سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - تجربی - جامع ۲ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - هنر - جامع ۲

۸۰- مفهوم بیت «دل هر ذره را که بشکافی» با کدام بیت ارتباط ندارد؟

- (۱) در او در جمع گشته هر دو عالم
- (۲) به زیر پرده‌ی هر ذره پنهان
- (۳) بدین خردی که آمد حبه‌ی دل
- (۴) برگ درختان سبز در نظر هوشیار

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - ۹۰

۸۱- مفهوم بیت: «می بهشت نوشم ز جام ساقی رضوان» مرا به باده چه حاجت که مست بوی تو باشم» با کدام بیت

- (۱) مردم گویند بهشت خواهی یا دوست
- (۲) طفلان به جوی شیر ز شکر کنند صلح
- (۳) عیسی‌ام منظر من بام چهارم فلک است
- (۴) ز سرو گلشن فردوس راست می‌گذریم

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ (سراسری - آزاد)

۸۲- بیت «آرزوهای دو عالم دستگاه» از کف خاکم غباری بیش نیست» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟

- (۱) دریغ آیدت هر دو عالم خریدن
- (۲) هر دو عالم یک فروغ روی اوست
- (۳) فاش می‌گوییم و از گفته‌ی خود دلشادم
- (۴) گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - ۹۰

۸۳- مفهوم عبارت «لطفات زیبای گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌پژمرد!» آه که عقل این‌ها را نمی‌فهمد! با کدام بیت متناسب است؟

- (۱) آز خود را به زیر پای درآر
  - (۲) عاقبت بین است عقل از خاصیت
  - (۳) عقل سلطان قادر خوش خوست
  - (۴) عقل را بگذار اگر اهل دلی
- عقل را جوی و جهل را بگذار  
نفس باشد کاو نبیند عاقبت  
آن که سایه‌ی خدایش گویند اوست  
زان که چون دل هست از جان می‌بسم

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۲

۸۴- مفهوم بیت: «دست طمع چو پیش کسان می‌کنی دراز ندارد؟

- (۱) طمع می‌برد از رخ مرد آب
  - (۲) طمع آرد به مردان رنگ زردی
  - (۳) طمع را نباید که چندان کنی
  - (۴) از بهر دفع غم به کسی گر بری پناه
- سیه‌روی شد تا گرفت آفتاب  
طمع را سر بهر گر مرد مردی  
که صاحب کرم را پشیمان کنی  
هم غم به جای ماند و هم آبرو رود

هی - آزمایشی سنجش - تجربی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله پنجم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله پنجم

۸۵- مفهوم بیت «یک قدم بر سر وجود نهی / و آن دگر در بر و دود نهی» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) دیدن آفتاب را در خواب
  - (۲) هرچند کاینات گدای در تواند
  - (۳) حق بین نظری باید تا روی مرا بیند
  - (۴) یک دیدن از برای ندیدن بود ضرر
- پادشاه گفته‌اند از هر باب  
یک آفریده نیست که داند سرای تو  
چشمی که بود خود بین کی روی خدا بیند  
هرچند روی مردم دنیا ندیدنی است

چهارم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله چهارم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله چهارم

۸۶- مفهوم «وحدت وجود» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- (۱) تا به گفتار درآمد دهن شیرینت
  - (۲) شرط عقل است که مردم بگریزند از تیر
  - (۳) گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست
  - (۴) پیرهن می‌بدرم دم به دم از غایت شوق
- بیم آن است که شوری به جهان در فکنم  
من گر از دست تو باشد مژه برهم نزنم  
که به فتراک تو به زان که بود بر بدنم  
که وجودم همه او گشت و من این پیرهنم

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۱

۸۷- از کدام بیت مفهوم «وحدت وجود» دریافت می‌شود؟

- (۱) اثر از سبزه‌ی بیگانه در این گلشن نیست
  - (۲) بیم و امید در دل اهل جهان پر است
  - (۳) پیاله‌ای که تو را وارهانند از مستی
  - (۴) هر حلقه‌ای که نیست در او ذکر حق بلند
- چشم گستاخ تو را آینه در زنگار است  
هرجا که رنگ و بوست بهار و خزان پر است  
اگر به هر دو جهان می‌دهند ارزان است  
در چشم ما به حلقه‌ی ماتم برابر است

سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - انسانی - جامع ۳ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - هنر - جامع ۳

۸۸- مفهوم بیت «دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو» با کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) ای به تو آرزوی من بیش‌تر از جفای تو
- (۲) دولت آن نیست که یابم دو جهان زیر نگین
- (۳) دولت آن است که بی‌خون دل آید به کنار
- (۴) اگر ت سلطنت فقر ببخشند ای دل

سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - جامع ۱ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۱

۸۹- مضمون و محتوای همهی ابیات به استثنای بیت ..... یکسان است.

- (۱) میندار اگر سفله قارون شود
- (۲) تو نامرده نگرده حرص تو کم
- (۳) از قناعت دستگاه شکر می‌گردد وسیع
- (۴) دیده‌ی حرص محال است شود سیر به خاک

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۰

راه نزدیک شد سخن کوتاه

و آن دگر در بر و دود نهی» با کدام بیت ارتباط دارد؟

- کی بر هوای عالم روحانیان پری
- گر برتری به مال، به گوهر برابری
- چون کبر کردی از همه دونان فروتری
- هر نکته را هزار دلایل بیاوری

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - ریاضی - ۹۰ - جامع ۱ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - جامع ۱

۹۰- مفهوم «دو قدم بیش نیست این همه راه

یک قدم بر سر وجود نهی

- (۱) ای مرغ پای بسته به دام هوای نفس
- (۲) در کم زخویشتن به حقارت نگه مکن
- (۳) دعوی مکن که برترم از دیگران به علم
- (۴) امروز غره‌ای به فصاحت که در حدیث

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

- جبرئیل امین ندارد بار
- عشق رمزی است که جز سر حقیق همدم نیست
- اگر جبرئیلست ببینند رواست
- محرم اندر حرم عشق به‌جز آدم نیست

تبارک الله از این فتنه‌ها که در سر ماست» با مفهوم همهی

- از کف خاکم غباری بیش نیست
- هر که را هست همت عالی
- بر زمین افتد و بی‌هوش شود
- مفلسان را نیاز مختصر است

۹۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) باریابی به محفلی کان جا
- (۲) عشق سیری است که جبریل در او محرم نیست
- (۳) چو روی پرستیدنت بر خداست
- (۴) عشق سلطان سراپرده‌ی ملوک قدم است

۹۲- بیت «سرم به دینی و عقبی فرو نمی‌آید

- (۱) آرزوهای دو عالم دستگاه
- (۲) آسمان زیر پای خود آرد
- (۳) ز آسمان روی تو گر مه بیند
- (۴) برگ سبزی آسمان به کفم

مرحله سوم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله سوم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله سوم

۹۳- بیت: «تو کی دانی که لیلی چون نکویی است  
تناسب مفهومی دارد؟

کز و چشمت همین بر زلف و مویی است» با کدام بیت

- (۱) محو یکتایی نقاش نگردید کسی
- (۲) عاقلانی که ز زنجیر تو سر و زده‌اند
- (۳) نیست مژگان که به تقصیر پریشان نظری
- (۴) شکوه از بخت نکردند سبک رفتاران

همه چون آینه بر نقش پراکنده زدند  
غافلانند که بر دولت خود پا زده‌اند  
مشت خاری است به چشم من بیننده زدند  
در دل ابر سیه برق صفت خنده زدند

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۹۴- بیت: «کسی کاو را تو لیلی کرده‌ای نام  
مفهومی دارد؟

نه آن لیلی است کز من برده آرام» با کدام بیت قرابت

- (۱) نسبت روی تو با ماه فلک می‌کردم
- (۲) جان هر زنده دلی زنده به جانی دگر است
- (۳) راستی را ز لطافت چو روان می‌گردد
- (۴) در چمن هست بسی لاله‌ی سیراب، ولی

چو بدیدم رخ زیبای تو چیز دگر است  
سخن اهل حقیقت ز زبانی دگر است  
گوییا سرو روان تو روانی دگر است  
ثُرك مه روی من از خانه‌ی خانی دگر است

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۹۵- مفهوم بیت: «بی سر و پا گدای آن‌جا را

سر زملک جهان گران بینی» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- (۱) به گسادیی بگفتم ای نادان
- (۲) گدا را چو حاصل شود نان شام
- (۳) گدایی در جانان به سلطنت مفروش
- (۴) گر گدا پیش رو لشکر اسلام بود

دین به دنیا مده تو از پی نمان  
چنان خوش بخشید که سلطان شام  
کسی ز سایه‌ی این در به آفتاب رود؟  
کافر از بیم توقع برود تا در چین

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۱

۹۶- در کدام بیت به «قناعت و مناعت طبع داشتن» توصیه شده است؟

- (۱) آب در پیش و ما چنین تشنه
- (۲) آب در کشتی هلاک کشتی است
- (۳) به بخت خود نگر و ضبط‌گریه کن طالب
- (۴) در جست‌ن نان آب رخ خویش مرزید

باده در جام و ما چنین مخمور  
آب اندر زیر کشتی پستی است  
که آب رفته‌ی عاشق به جو نمی‌آید  
در نار مسوزید روان از پی نان را

شگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۲ - ۹۱ - مرحله اول و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۲ - ۹۱ - مرحله اول

۹۷- بیت: «یار بی‌پرده از در و دیوار / در تجلی است یا اولی‌البصار» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) کسی که چهره‌ی دل دید اوست اهل خرد
- (۲) برای دیدن رویش مگرد گرد جهان
- (۳) نادیده عیان دیده‌ی من شاهد مقصود
- (۴) خیال تو چو درآید به سینه‌ی عاشق

کسی که قامت جان یافت اوست کاهل صلاست  
که او نشسته چو آینه با تو رویاروست  
این چشم نهان محو تماشای که باشد  
درون خانه‌ی تن پُر شود چراغ حیات

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)



## خداوند

(۳۹) غیر قابل وصف بودن خدا

(۴۰) بازگشت همه موجودات به اصل

(۴۱) ترک فویشن موجب رسیدن به خداست

(۴۲) اعتقاد به قضا و قدر و فواست خدا

(۴۳) ستایش تسبیح خداوند

(۴۴) همه اتفاقات وابسته به خداست ، عناصر خلقت وسیله اند ( تومید در ربوبیت )

(۴۵) بفشش و بفشایندگی خداوند ، ستارالعیوب بودن خداوند ، روزی (سان بودن او

(۴۶) رسیدن به فوشی در اثر ارتباط با خداوند

(۴۷) عزت و ذلت به دست خداست

### **(۳۹) غیر قابل وصف بودن خدا**

- نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
- ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم / و ز هرچه گفته اند و شنیده ایم و خوانده ایم
- کسی ماهیت ذاتش نداند / که کس با او و او با کس نماند
- نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم / نه در ذیل وصفش رسد دست فهم
- مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر / ما همچنان در اول وصف تو مانده ایم
- کسی ماهیت ذاتش نداند / که کس با او و او با کس نماند
- به قیاس در نگنجی و به وصف در نیایی / متحیرم در اوصاف جمال و روی زبیت
- ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای احدی که در ذات و صفات بی همتایی

## ۴۰) بازگشت همه موجودات به اصل

- ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم / باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست
- مایه خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست / می کنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم
- ما ز دریاییم و دریا می رویم / ما زبالاییم و بالا می رویم
- چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است / روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم
- هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش
- دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی
- بلبل گلشن قدسم شده از جور فلک / بی گنه بسته زندان و گرفتار قفس
- من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آورد در این خراب آبادم
- باز خواهم بسوی مسکن عقبی رفتن / چه کنم گلخن دنیا پس از اینم بس و بس
- جان که از عالم بالاست یقین می دانم / رخت خود باز برآنم که همان جا فکنم
- سیمرغ جان کجا کند از گلخن آشیان / کاو را هوای تربت آن سبز گلشن است
- کل شیء یرجع الی اصله
- انا لله و انا الیه راجعون

## ۴۱) ترک خویشتن موجب رسیدن به خداست

- گر نباشد هر دو عالم گو مباش / تو تمامی با تو ام تنها خوش است
- هیچ از دنیا و عقبی نبود گوشه خاطر / که به دیدارتو شغل است و فراغ از دو جهانم
- خود را بر در بگذار و درآی ...
- یک قدم برسرو وجود نهی / وان دگر برودود نهی
- نشان خواهی از وی ز خود بی نشان شو / که من زو نشان جستم از بی نشانی

## ۴۲) اعتقاد به قضا و قدر و خواست خدا

- هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می پذیرفت.
- زاهدان را زهد و ما را عشق خوبان شد نصیب / هر کسی را در ازل خود آنچه قسمت بود داد
- در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست / در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

- مرا جفا و وفای تو پیش یکسان است / هر چه دوست پسندد به جای دوست نکوست
- ز چرخ آمد همه چیزی نوشته / نوشته با روان ما سرشته
- نوشته جاودان دیگر نگردد / به رنج و کوشش از ما برنگردد
- ز چرخ آمد قضا نه از کام مردم / ازیرا بنده آمد نام مردم
- نیکی و بدی که در نهاد بشر است / شادی و غمی که در قضا و قدر است
- محبوسم و طالع است منحوسم / غمخوارم و اختر است خونخوارم ( قضا و قدر نامطلوب )
- سر سازگاری ندارد سپهر / کمر بسته بر کین ما ماه و مهر ( قضا و قدر نامطلوب )
- کار عالم سست بنیاد آمده است / آسمان را پیشه بیداد آمده است ( قضا و قدر نامطلوب )
- ز آسمان هر سنگ بیدادی که آمد بر زمین / کرد بخت بد من مدد کان بر سبوی من رسید ( قضا و قدر نامطلوب )
- کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت / یا رب از مادر گیتی بچه طالع زادم! ( قضا و قدر نامطلوب )
- هر آنکه گردش گیتی به کین او برخواست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایام ( قضا و قدر نامطلوب )

### ۴۳) ستایش تسبیح خداوند

- ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا
  - سحر بر شاخسار بوستانی / چه خوش می گفت مرغ نغمه خوانی
  - برآور هر چه اندر سینه داری / سرودی، ناله ای، آهی، فغانی
  - گفتم این شرط آدمیت نیست / مرغ تسبیح گوی و من خاموش
- من نمازم را وقتی میخوانم، که اذانش را باد گفته باشد سر گل دسته سرو، من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف میخوانم
- بنفشه در رکوع آمد چو سنبل در خشوع آمد / چو نرگس چشمکش می زد که وقت اعتبار آمد
  - یسیح الله ما فی السموات و ما فی الارض

### ۴۴) همه اتفاقات وابسته به خداست، عناصر خلقت وسیله اند ( توحید در ربوبیت )

- ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی
- چه اندیشی از خود که فعلم نکوست / از آن درنگه کن که توفیق اوست

به سعی خود نتوان برد پی به گوهر مقصود/ خیال باشد کاین کاری حواله برآید

- گرچه تیر از کمان همی گذرد / از کمان دار بیند اهل خرد
- سعادت به بخشایش داور است / نه در چنگ و بازوی زورآور است
- گر از حق به توفیق خیری رسد / کی از بنده چیزی به غیر رسد

## **(۴۵) بخشش و بخشاینده‌گی خداوند ، ستار العیوب بودن خداوند ، روزی رسان بودن او**

- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده ، پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد .
- ولیکن خداوند بالا و پست / به عصیان دررزق برکس نیست
- ادیم زمین سفره عام اوست / برین خوان یغما چه دشمن چه دوست
- دوکونش یکی قطره از بحر علم / گنه بیند و پرده پوشد به حلم
- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
- لطیف کرم گستر کارساز / که دارای خلق است و دانای راز

## **(۴۶) رسیدن به خوشی در اثر ارتباط با خداوند**

- این همه شاهد و شکر کز سخنم می ریزد / اجر صبری است کزان شاخه نباتم دادند
- من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب / مستحق بودم و این ها به زکاتم دادند

## **(۴۷) عزت و ذلت به دست خداست**

« تعز من تشاء و تذلل من تشاء »

- عزیزی و خواری تو بخشی و بس / عزیز تو خواری نبیند ز کس
- یکی را ز ماهی رساند به ماه / یکی را زمه اندر آرد به چاه
- یکی را به سر نهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

## تستهای مفاهیم مرتبط با خداوند

۹۸- مفهوم کدام بیت با توجه به آیهی «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلَّ مِنْ تَشَاءٍ» متفاوت است؟

- (۱) یکی را همی تاج شاهی دهد
- (۲) یکی را که در بند بینی مخند
- (۳) یکی را ز ماهی رساند به ماه
- (۴) یکی را دهد تاج و تخت بلند

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۰

۹۹- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) گر بیوسم همچو دانه عاقبت نخلی شوم
- (۲) که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین
- (۳) خود ز فلک برتریم و ز ملک افزون تریم
- (۴) چرا به عالم اصلی خویش وا نروم

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - تجربی - ۹۱

کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست» با کدام بیت

- به هر کجا که در آن جا رخ نکویی هست
- خطا باشد که این نسبت بود بی اصل و بی مبدأ
- پا بسته‌ی این کنه قفس چند توان بود
- دل کند هر چند طیران در فضای خود بود

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت متناسب

- که در این دامگه حادثه چون افتادم
- ندانمت که در این دامگه چه افتاده است
- نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
- گلشنی پیرامنش چون روضه‌ی دارالسلام

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۰

- دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
- تا که هشیارم و بیدار یکی دم نزنم
- رخت خود باز برآنم که همانجا فکنم
- کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست

مرحله پنجم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله پنجم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله پنجم

۱۰۰- بیت «خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) سراغ منزل طایر ز من کنی که کجاست
- (۲) اگر گویم ز عشق گل فغان آموز شد بلبل
- (۳) ما طایر قدسیم و ز خلوتگه انسیم
- (۴) از گلیم خویش نگذارد برون پا مرد عشق

۱۰۱- مفهوم «ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم نیست؟

- (۱) طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
- (۲) ترا ز کنگره‌ی عرش می‌زنند صفیر
- (۳) که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین
- (۴) بزمگاهی دل‌نشین چون قصر فردوس برین

۱۰۲- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک
- (۲) تو می‌پندار که من شعر به خود می‌گویم
- (۳) جان که از عالم علوی است یقین می‌دارم
- (۴) خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان

۱۰۳- مفهوم سخن مشهور «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ» با کدام گزینه متناسب است؟

- (۱) تو از خاکی، بسان خاک، تن در ده درین پستی
  - (۲) بدین زور و زر دنیا چو بی عقلان، مشو غره
  - (۳) پس اکنون گر سوی دوزخ گرای بس عجب نبود
  - (۴) سر الب ارسلان دیدی ز رفعت رفته برگردون
- مرحله دوم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله دوم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله دوم

۱۰۴- مفهوم بیت «از یزدان بین نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی» با کدام بیت متناسب نیست؟

- (۱) بیکاری و توگل دور است از مروّت
  - (۲) از دست و پا زدن ها کاری نمی گشاید
  - (۳) عشق اگر تیغ برآرد سپر عقل چه سود؟
  - (۴) به سعی خود نتوان بُرد پی به گوهر مقصود
- مرحله دوم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - مرحله چهارم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله چهارم

۱۰۵- مفهوم «گر کسی وصف او زمن پرسد ..... تناسب دارد.

- (۱) آن دهان نیست که در وصف سخندان آید
  - (۲) چون سخن در وصف این حالت رسید
  - (۳) خدای را به صفات زمانه وصف مکن
  - (۴) وصف خوبی او چه دانم گفت
- دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۱

۱۰۶- مفهوم کدام دو «بیت» یکسان است؟

- (۱) اگر در دیدهی مجنون نشینی  
از خویش بمردم من پس رخت به حی بردم
  - (۲) گفت: مستی زان سبب افتان و خیزان می روی  
مست را ار ادبی نمود هشیارش دان
  - (۳) راه بنمایم تو را گر کبر بندازی ز دل  
این جاهلان که دعوی ارشاد می کنند
  - (۴) هیچ دل را به کنه او ره نیست  
نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
- دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰-۹۱ - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - جامع ۳

سازمان سنجش - دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - جامع ۳

۱۰۷- ابیات کدام گزینه با هم ارتباط مفهومی دارند؟

- ۱) پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما  
آن خواجه که من دادم جرم همه می‌بخشد
- ۲) کی رفته‌ای زدل که تمنّا کنم تو را  
از دست غیبت تو شکایت نمی‌کنم
- ۳) گدا را چو حاصل شود نان شام  
در من منگر تا دگران چشم ندارند
- ۴) ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما  
پنداشت ستمگر که ستم بر ما کرد

آیینه کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها  
پیش کرمش رفتن ناکرده ثواب اولی  
کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را  
تا نیست غیبتی نبود لذت حضور  
چنان شاد خسبید که سلطان شام  
کز دست گدایان نتوان کرد ثوابی  
بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان؟  
بر گردن او بماند و از ما بگذشت

دیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۰ - مرحله چهارم

## سخن گفتن و ارتباط با مردم

۱۴۸) نکوهش تکرار و تقلید و توصیه به نو آوری

۱۴۹) ستایش گوشه نشینی

۱۵۰) ستایش کم گوئی (A) و گزیده گوئی (B) و عمل گرایی (C)

۱۵۱) ستایش رازداری و نکوهش افشاگری و غیبت

۱۵۲) انسان پرمرف نصیحت نمی شنود!

۱۵۳) ابتدا فکر کن سپس مرف بزن ...

۱۵۴) ارزش انسان به گفتار اوست

۱۵۵) کسی که گوش شنوا ندارد نصیحت در او اثر نمی کند

## **۴۸) نکوهش تکرار و تقلید و توصیه به نو آوری**

□ همین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود / وارهد از هر دو جهان بی حد و اندازه شود

□ فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر / سخن نوآر که نورا حلاوتی است دگر

□ از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال / هر که گردد خم نشین باید که افلاطون شود

□ مشو مقلد همراه اگر چه توفیق است / که از جریده روی کار مهر بالا گرفت

□ خواه بد و خواه نیک هر چه کنی تازه کن / تن به تتبع نده مخترع کارباش

## **۴۹) ستایش گوشه نشینی**

□ آشنایی خلق دردسراست / معتکف باش تا نراندت

□ خانه سوز و آشیان پرداز می باید شدن / با نسیم صبح هم پرواز می باید شدن

□ گوشه ای خواهیم که گوش آواز پایی نشنود / وز فلک را سقف بشکافد صدایی نشنود



- دردسر تا نکشی صائب از این بی خبران / گوشه ای امن تراز خلوت خاموشی نیست
- ره سروش همی بایدت به سان پری / ز دیو مردم ، اندرز زمانه پنهان باش
- عزلت و انزوا و تنهایی / برهاندت از هزار بلا
- رخنه گفتار را سرمه می باید گرفت / با لب خاموش سخن پرداز می باید شدن
- گوشه ای گیر که از یاد خلاق بروی / نه که از عزلت خود شهرت عنقایابی

### ۵۰ ستایش کم گویی (A) و گزیده گویی (B) و عمل گرایی (C)

- صدف وار گوهر شناسان راز / دهان جز به لولو نکردند باز B
- سخن گر چه باشد چو آب زلال / ز تکرار خیزد غبار ملال A
- چو غنچه راز دل غنچه چمن دریاب / زبان به کام کش و لذت سخن دریاب A
- سخن گوهر شد و گوینده غواص / به سختی در کف آید گوهر خاص B
- قول و عمل چیست جز ترازوی دینی / قول و عمل ورز و راست دار زبانه C
- قول نیاید به کار فعل بود در شمار / منکر گفتارشو امت گفتار باش C
- و گر گفتار بی کردار داری / چو زر اندود دیناری به دیدار C
- کم آواز هرگز نبینی خجل / جوی مشک بهتر که یک توده گل A
- صدانداختی تیرو هر صد خطاست / اگر هوشمندی یک انداز و راست A&B
- حذر کن زندان ده مرده گوی / چو دانایکی گوی و پرورده گوی A&B
- سخن کم گوی تا در کار گیرند / که در بسیار بد بسیار گیرند A
- بگویم گرت هوش در سر است / سخن هر چه کوتاه بود بهتر است A
- همه وقت کم گفتن از روی کار / گزیده است خاصه در این روزگار A
- یک دسته گل دماغ پرور / از خرمن صد گیاه بهتر A&B
- بدان کز زبان است مردم به رنج / چو رنجش نخواهی سخن را بسنج B
- سعدیا گر چه سخن دان و مصالح گویی / به عمل کار بر آید به سخن دانی نیست C
- سخن کم گوی تا در کار گیرند / که در بسیار بد بسیار گیرند A
- خاموشی پرده پوش راز باشد / نه مانند سخن غماز باشد A
- تو در گفت و گو ببند و ببین / که چه درها به روی دل باز است A

□ سخن تا نگویی تو شاه آن / چو گفתי شود شاه تو آن زمان A

### ۵۱) ستایش رازداری و نکوهش افشاگری و غیبت

- مکن پیش دیوار غیبت بسی / بود کز پشش گوش دارد کسی
  - سخنی درنهان نباید گفت / که به هرانجمن نشاید گفت
  - درون دلت شهر بندست راز / نگر تا نبیند در شهر باز
  - درپس آزادگان به هیچ طریقی / پیش کسان بد مگو که نیک نباشد
  - پیش دیوار آنچه داری گویی هوش دار / تا نباشد در پس دیوار گوش
  - درپس آزادگان به هیچ طریقی / پیش کسان بد مگو که نیک نباشد .
  - سخنی درنهان نباید گفت / که به هرانجمن نشاید گفت
- بدان که شکوه آن تندخو خطر دارد / خموش باش که دیوار و در همه گوشند
- چه گفت آن سخن گوی پاسخ نیوش / که دیوار دارد به گفتار گوش
  - به خلوت نیزش از دیوار می پوش / که باشد در پس دیوار گوش
  - لب مگشا گرچه در او نوش هاست / کز پس دیوار بسی گوش هاست
- ضرب المثل « دیوار موش دارد ، موش هم گوش دارد »

### ۵۲) انسان پر حرف نصیحت نمی شنود!

- فراوان سخن باشد آکنده گوش / نصیحت نگیرد مگر در خموش
- چو خواهی که گویی نفس بر نفس / نخواهی شنیدن مگر گفت کس
- سلیم این پند را از من نگه دار / سخن کم گو ولی بسیار بشنو
- سخن بشنو و بهترین یاد گیر / نگر تا کدام آیدت دل پذیر

### ۵۳) ابتدا فکر کن سپس حرف بزن ...

- نباید سخن گفت ناساخته / نشاید بریدن نینداخته
- سخن پیش فرهنگیان سخته گوی / به هر کس نوازنده و تازه روی

□ سخن بشناس و آنگه گو ازیرا / که بی نقطه نگرده خط ز پرگار

□ بریدی تو ناکرده گز جامه را / نخواندی تو پایان شهنامه را

### **(۵۴) ارزش انسان به گفتار اوست**

□ کمال است در نفس انسان سخن / تو خود را به گفتار ناقص مکن

□ زنده به جز آدمیان نیست کس / کآدمی از نطق زنده است و بس

□ آدمی از دواب ممتاز است / که به لطف سخن سرافراز است

### **(۵۵) کسی که گوش شنوا ندارد نصیحت در او اثر نمی کند**

□ من گوش استماع ندارم ، لمن تقول؟

□ یک گوشش در است و یکی دروازه / نرود میخ آهنین در سنگ

□ به یکی در درآید از گوش / به دگر در برون کند هوشش

□ گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله تو / آن چه البته به جایی نرسد فریاد است

□ آه سعدی اثر کند در سنگ / نکند در تو سنگدل تاثیر

## تستهای مفاهیم مرتبط با سخن گفتن و ارتباط با مردم

۱۰۸- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) سخن رفتشان یک به یک بر زبان
- (۲) گلگهی ما را گله از گرگ نیست
- (۳) نخل این بستان ز بار خویشتن یابد شکست
- (۴) آسیب جهان بیش رسد گوشه‌نشین را

که از ماست بر ما بد آسمان  
کاین همه بیداد شبان می‌کند  
هیچ کس از زاده‌ی خود خیر در دنیا ندید  
دامی نبود در ره آن صید که رام است

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - تجربی - ۹۰

۱۰۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) اگر طوطی زبان می‌بست در کام
- (۲) ای زبان هم آتشی هم خرمنی
- (۳) زلب دوختن غنچه را زندگی است
- (۴) سخن پیش سخندان گو، ازیرا

نه خود را در قفس می‌دید و نه دام  
چند از این آتش در این خرمن زنی  
چو بشکفت زان پس پراکندگی است  
سرت باید نخست آن‌گاه دستار

شگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله اول و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - مرحله اول

۱۱۰- مضمون و محتوای همه‌ی ابیات به استثنای بیت ..... با یکدیگر تناسب دارد.

- (۱) یک دسته گل دماغ پرور
- (۲) می‌باش چو خار نیزه بر دوش
- (۳) آب ارچه همه زلال خیزد
- (۴) گرچه همه کوبی به تاب است

از خرمن صد گیاه بهتر  
تا خرمن گل کشی در آغوش  
از خوردن پر ملال خیزد  
افروختگی در آفتاب است

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۱

۱۱۱- مفهوم بیت «سعیدیا گرچه سخن‌دان و مصالح گویی

به عمل کار برآید به سخن دانی نیست» با کدام بیت

تناسب دارد؟

- (۱) لب بدوز از گفت و گو چون وقت گفت و گوی نیست
- (۲) مصلحت نیست ز شیرین سخنان خاموشی
- (۳) نگارینا دلم بردی فسون خوانی مکن چندین
- (۴) عمرها کار تو با گفتار بی‌کردار بود

جای حیرانی است دروی باش حیران دم مزن  
زنگ آییننه بود طوطی اگر لال شود  
زبان من فروبستی زبان دانی مکن چندین  
بعد از این کردار بی‌گفتار می‌باید شدن

۹۰ - ۳ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - جامع ۳ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۳

۱۱۲- مفهوم همه‌ی ابیات به استثنای بیت ..... با یکدیگر تناسب دارند.

- (۱) حکایت ز دهانت به گوش جان آمد
- (۲) مرا هوشی نماند از عشق و گوشه‌ی
- (۳) کلید گنج سعادت نصیحت است سعیدی
- (۴) اگر مراد نصیحت کنان ما این است

دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم  
که پسند هوشمندان کار بنمدم  
اگر قبول کنی گوی بردی از میدان  
که ترک دوست بگویم تصویری است محال

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - ۹۱

۱۱۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) تا مرد سخن نگفته باشد
- (۲) سخن‌ها دارم از دست تو در دل
- (۳) آدمی مخفی است در زیر زبان
- (۴) بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۲ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۲

۱۱۴- معنی بیت: «از آن مرد دانا دهان دوخته است / که بیند که شمع از زبان سوخته است» از همه‌ی ابیات به‌جز بیت ..... دریافت می‌شود.

- |  |                                    |
|--|------------------------------------|
| (۱) بس سر که بریده‌ی زبان است            | با یک نقطه، زبان زیان است          |
| (۲) تیغ است زبان کشیده هموار             | زین تیغ کشیده سر نگه‌دار           |
| (۳) زبانی که اندر سرش مغز نیست           | اگر دُر بیارد همان نغز نیست        |
| (۴) جان است و زبان است زبان دشمن جان است | گر جانت به کار است نگه‌دار زبان را |

سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - انسانی - جامع ۳ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲ - هنر - جامع ۳

۱۱۵- مفهوم کلی همه‌ی ابیات به‌استثنای بیت ..... یکسان است.

- |                                 |                             |
|---------------------------------|-----------------------------|
| (۱) شرط عقل است صبر تیرانداز    | که چو رفت از کمان نیاید باز |
| (۲) مگوی آن سخن کاندرو سود نیست | کز آن آتشت بهره جز دود نیست |
| (۳) یکی طفل بردارد از رخس بند   | نیابد به صد رستم اندر کمند  |
| (۴) نیک سهل است زنده بی‌جان کرد | کشته را باز زنده نتوان کرد  |

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۱۱۶- بیت: «فراوان سخن باشد آکنده گوش نصیحت نگیرد مگر در خموش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| (۱) اگرچه دانی که نشنوند بگوی           | هرچه دانی ز نیک خواهی و پند          |
| (۲) صد سخن در سینه و قادر بر اظهارش نیم | کاشکی دوشینه می‌کردم که فرصت داشتم   |
| (۳) حاصل هر دو جهان را به سخن گر بدهند  | مگشا لب، چه توان یافت به از خاموشی   |
| (۴) طوطی خوش لهجه‌ام خاموشیم از حیرت    | صد زبان دارم ولی راه زبان گم کرده‌ام |

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۰

۱۱۷- مفهوم عبارت «با صدایی که به قول معروف از ته چاه در می‌آمد با زهرخندی گفت: دادن زن «من گوش استماع ندارم

لِمن تقول» با کدام بیت متناسب است؟

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| (۱) مرد بایلد که گیرد اندر گوش            | ور نبشسته است پند بر دیوار           |
| (۲) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیست        | ای نصیحت گو به ترک گوی، گوی          |
| (۳) ذوق سماع مجلس آنست به گوش دل          | وقتی رسد که گوش طبیعت بیا کنی        |
| (۴) گوش کن پند ای پسر وز بهر دنیا غم مخور | گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت هوش |

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۱۱۸- مفهوم دو بیت «در پی اش القصه در آن مرغزار / رفت براین قاعده روزی سه چار»  
عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته» با همهی ابیات به جز بیت ..... تناسب معنایی دارد.

- (۱) ولیک گویمت از امر چون خودی بگذر
  - (۲) مر مرا تقلیدشان بر باد داد
  - (۳) عبادت به تقلید گمراهی است
  - (۴) هر که او از پس تقلید همی خواند
- مباش بندهی تقلید اگر نه حیوانی  
که دو صد لعنت بر این تقلید باد  
خنک رهروی را که آگاهی است  
مر مرا، خود ز پیش رفتن نتوانم

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - تجربی - جامع ۳ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۳

۱۱۹- مفهوم ضرب المثل «دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد» از همهی ابیات به جز بیت ..... دریافت می شود.

- (۱) چه گفت آن سخن گوی پاسخ نیوش
  - (۲) لب مگشا گر چه در او نوش هاست
  - (۳) مدتی شد که تا بدان امید
  - (۴) به خلوت نیزش از دیوار می پوش
- که دیوار دارد به گفتار گوش  
کز پس دیوار بسی گوش هاست  
چشم دارد به راه و گوش به در  
که باشد در پس دیوارها گوش

دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله دوم

۱۲۰- مفهوم بیت «بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم صحبت بد جدایی جدایی» با کدام بیت متناسب نیست؟

- (۱) از این دیو مردم که دام و دند
  - (۲) غمّاز را به حضرت سلطان که راه داد
  - (۳) به هم صحبتان گفت کاین باغ نغز
  - (۴) بسی هم صحبت باشد در این پوست
- نهان شو که هم صحبتان بدند  
هم صحبت تو همچو تو باید هنروری  
که منظور چشم است و ریحان مغز  
ولیکن استخوان، من مغزم ای دوست

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۳ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۳

۱۲۱- مفهوم همهی ابیات به استثنای بیت ..... با یکدیگر تناسب دارد.

- (۱) مرا مگو که سعدی طریق عشق رها کن
  - (۲) پند حکیم محض صواب است و عین خیر
  - (۳) حکایتی ز دهانت به گوش جان آمد
  - (۴) من از کجا پند از کجا باده بگردان ساقیا
- سخن چه فایده گفتن چو پند می نیوشم  
فرخنده آن کسی که به رضا شنید  
دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم  
آن جام جان افزای را بریز بر جان ساقیا

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - ۹۰

۱۲۲- مفهوم بیت «سعدیا گرچه سخن دان و مصالح گویی / به عمل کار برآید به سخن دانی نیست» با همهی ابیات به جز بیت ..... متناسب است.

- (۱) زبهر سود کسان گو نه بهر شهرت خویش
  - (۲) حافظ خام طمع شرمی از این قصه بدار
  - (۳) قول و عمل چیست جز ترازوی دینی
  - (۴) قول را نیست ثوبی چو عمل نیست برو
- که قول بی غرضان در جهان سمر گردد  
عملت چیست که فردوس برین می خواهی  
قول و عمل و رز و راست دار زبانه  
ایزد از بهر عمل کرد تو را وعده ثواب

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۰

## مفاهیم کلی

(۵۶) هر کس آنچه در او وجود دارد را بروز می دهد

(۵۷) ارزشمند بودن در ذات و تغییر ناپذیری ذات بد

(۵۸) فساد ماکم بر جمیع مردم

(۵۹) فساد ماکم بر مسئولان جامعه

(۶۰) رشد معکوس داشتن (A) - جواب عکس دادن (B)

(۶۱) اعتقاد به جبر گرایی

(۶۲) موهوم بی فایده شایسته نابودی است

(۶۳) پول و ثروت دنیا عزیز است

(۶۴) هر کس به شیوه ای منظور خود را بیان و پروردگار را ستایش می کند

(۶۵) فلاط عادت اتفافی افتادن

(۶۶) جایگاه افراد نشان دهنده شرفصیت آنها نیست

(۶۷) فراگیر شدن بدی در جامعه

**(۵۶) هر کس آنچه در او وجود دارد را بروز می دهد**

□ حال متکلم از کلامش پیداست / از کوزه همان برون تراود که در اوست

□ رنگین سخنان در سخن خویش نهانند / از نکته خود نیست به هر حال جدا گل

□ به پیش غیرچه پرسی ز حال پنهانم / که راز گوی دل من همین نگاه من است

- می دهد ظاهر هر کس خبر از باطن او / رتبه پیرهن آری ز قبا معلوم است
- گرگ زاده عاقبت گرگ شود / گرچه با آدمی بزرگ شود
- تو بد سگالی و نیکی طمع کنی هیهات / ز خیر، خیر تراوش نماید از شر، شر
- درسخن مخفی شدم مانند بودربرگ گل / هر که خواهد دیدنم گودرسخن بیندمرا
- سخن پیدا کند کز من و تو مردم کیست / که بی سخن من و تو هر دو نقش دیواریم
- تا مرد سخن نگفته باشد / عیب و هنرش نهفته باشد
- بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل / توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد
- گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست / رنگ رخسار خبر می دهد از سر ضمیر
- در پیش ما فتاده است مستی و هوشیاری / در هر که هر چه باشد رفتار می نماید
- مرد نهان زیر دل است و زبان / دیگر یکسر گل پر صورت است
- نیست در دست سبوی من عنان اختیار / راز عشق از دل تراوش گر کند معذور دار
- از هرچه سبو پر کنی از سرو ز پهلوش / زان چیز برون آید و بیرون دهد آغاز
- کاسه چینی که صدا می کند / راز دل خویش ادا می کند
- حال من دور از جمال نپرس / رنگ و رویم ببین و حال مپرس
- دانا چو طبله عطار است، خاموش و هنرنامی
- کلّ اناء بترشحّ بما فیه

## ۵۷) ارزشمند بودن در ذات و تغییر ناپذیری ذات بد

- لعل را گر مهر نبود باک نیست / عشق را دریای غم غمناک نیست
- سعدی از سرزنش غیر نترسد هیهات / غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را
- ذکر تو را گر کنند ور نکنند اهل فضل / حاجت مشاطه نیست روی دلارام را
- دلی که غیب نمای است و جام جم دارد / ز خاتمی که دمی گم شود چه غم دارد
- هر که را در اصل بدنهاد افتاد / هیچ نیکی از او مدار امید



## ۵۸) فساد حاکم بر جمیع مردم

- ای کاش که هر حرام مستی دادی/ تا من به جهان ندیدمی هشیاری
- گر حکم شود که مست گیرند / در شهر هر آنچه هست گیرند
- شه اگر باده کشان را همه بر دار زند / گذر عارف و عامی همه بر دار فتد
- گر پرده زروی کارها بردارند / معلوم شود که در چه کاریم همه
- گفت باید حد زند هشیار مردم مست را / گفت هشیاری بیار اینجا کسی هشیار نیست

## ۵۹) فساد حاکم بر مسئولان جامعه

- گفت نزدیک است والی را سرای آنجاشویم / گفت والی از کجا در خانه خمار نیست
- گفت می باید تورا تا خانه قاضی برم / گفت روصیح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست
- با محتسبم عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
- گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی / گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست

## ۶۰) رشد معکوس داشتن (A) – جواب عکس دادن (B)

دیدم ماشاءالله چشم بددور، قدش درازتر و تک و پوزش کریه تر شده بود . A&B

- A القصه دراین چمن چو بید مجنون / می بالم و در ترقی معکوسم
- B توسنی کردم ندانستم همی / کز کشیدن تنگ تر گردد کمند
- B از قضا سرکنگبین صفرا فزود / روغن بادام خشکی می نمود
- B چون قضا آید شود تنگ این جهان / از قضا حلوا شود رنج دهان
- B صیاد نه هر بار شکاری گیرد / افتد که یکی روز پلنگش گیرد

## ۶۱) اعتقاد به جبر گرایی

- حافظ به خود نپوشید این خرقه می آلود / ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را
- بارها گفته ام و بار دگر می گویم / که من دلشده این ره نه به خود می پویم
- در پس آیینه طوطی صفتم ساخته اند / آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم

- در دایره قسمت ما نقطه تسلیمیم / لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی
- این عشق به اختیار کس نیست / گفتم که همین قدر بدانید
- ما و من و زاهدان و تقوا / تا یار سر کدام دارد

## ۶۲) موجود بی فایده شایسته نابودی است

- نه سایه دارم و نه بر بیفکنندم سزاست / وگرنه بر درخت تر کسی تبر نمی زند
- بسوزند چون درختان بی بر / سزاخود همین است مربی بری را
- سپید ارمانده است بی هیچ چیزی / ازیرا که بگزید او کم بری را
- نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم / به تعجبم که دهقان زچه روی کشت ما را
- دستی که ریزشی نکند شاخ بی بر است / نخلی که میوه ای ندهد خشک بهتر است
- حطب را گر تیشه بر پی زند / درخت برومند را کی زند
- شاخ بی میوه گر همه طوبی است / ببریدش به میوه پیوندید

## ۶۳) پول و ثروت دنیا عزیز است ( این مفهوم ، هنهار شگنی یا به عبارت دیگر آشنایی زدایی دارد )

- زر عزیزآفریده است خدای / هرکه خوارش بکرد خوار بشد
- اگر چه سرو تهی دست می روی براو / مرو که متنفر از تنگدستان است
- کسب کمال اهل جهان زر بود / علامه آن بود که زرش بیشتر بود
- زر نداری نتوان رفت به زور از دریا / زور ده مرده چه خواهی زر یک مرده بیار
- به زر شدی همه کارم ز وصل تو چون زر / ز بی زری است که کارم چو زر نمی گردد

## ۶۴) هر کس به شیوه ای منظور خود را بیان و پروردگار را ستایش می کند

- هرکسی را سیرتی بنهاده ام / هرکسی را اصطلاحی داده ام
- هرکسی به زبانی صفت حمد تو گوید / بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
- به هرکه هرچه سزاوار بود بخشیدند / سکندرآینه و خضر آب حیوان یافت
- مدبری که به گل نکهت و به گل جان داد / به هرکه هرچه سزا دید عاقبت آن داد .

□ حسدچه می بری ای سست نظم برحافظ / قبول خاطر و لطف سخن خدا دادست .

□ مه فشاند نور و سگ عوعو کند / هر کسی بر خلقت خود می تند

□ هر کسی را بهر کاری ساختند / میل آنرا در دلش انداختند

□ قل کلّ یعمل علی شاکلته

### **(۶۵) خلاف عادت اتفاقی افتادن**

□ از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

□ هر چه خلاف آمد عادت بود / قافله سالار سعادت بود

□ از قضا سرکنگبین صفرا فزود / روغن بادام خشکی می نمود

□ چون تنگ و سخت کرد بر او روزگار / جامه فراخ تنگ شود در برش

□ صیاد نه هر بار شکاری گیرد / افتد که یکی روز پلنگش گیرد

### **(۶۶) جایگاه افراد نشان دهنده شخصیت آنها نیست**

دود اگر بالا نشیند کسر شان شعله نیست / جای چشم ابرو نگیرد گر چه او بالاتر است

من از روییدن خار سر دیوار دانستم / که ناکس کس نمی گردد بدین بالا نشینی ها

نگوید کس که ناکس جز به چاه است / که گر چه بر شود ناکس به کیوان

هرگز به مال و جاه نگردهد بزرگ نام / بد گوهری که خبث طبیعتش در رگ است

### **(۶۷) فراگیر شدن بدی در جامعه**

نهان گشت آیین فرزندگان / پراکنده شد نام دیوانگان

هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند

سفله بر صدر و اهل دانش را / به غلط ره به آستان ندهند

دانا بمانده در غم تدبیر روزیش / یک ذره غم به خاطر نادان نمی رسد

## تستهای مفاهیم کلی

۱۲۳- مفهوم ابیات دوگانه، در کدام گزینه یکسان نمی‌باشد؟

- (۱) از تو نپرسنند درازی شب محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- (۲) حلقه‌ی دام گرفتاری دهن واکردن است زبان درکش ای مرد بسسیار دان
- (۳) شد جنگ و نظر آمد، شد زهر و شکر آمد هنر خوار شد جادویی ارجمند
- (۴) گر کشد مهر رخت بر دل من تیغ رواست جام از دست دوست بود زهر و می یکی است

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

- ۱۲۴- مفهوم بیت «زر عزیز آفریده‌است خدای جهان و هرچه در او هست با نعیم بهشت
- (۱) اگر هزار هنر دارد و ندارد مال
  - (۲) اگر بد است چو در دست سیم و زر دارد
  - (۳) بدان که اصل سعادت در این جهان مال است
  - (۴) هرکه خوارش بکرد خوار بشد» با کدام بیت متناسب نیست؟
- نه نعمتی است که باز آورد فقیر از دوست  
به جای هر هنری صد هزار عیب در اوست  
به نزد خلق همه قول و فعل او نیکوست  
هر آن که مال ندارد چو نافه‌ی بی‌بوست

مرحله سوم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - مرحله سوم و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - ۹۰ - مرحله سوم

- ۱۲۵- مفهوم بیت «هرکسی را سیرتی بنهاده‌ام هرکسی را اصطلاحی داده‌ام» با هم‌هی ابیات به‌جز بیت ..... متناسب است.

- (۱) به هرکه هرچه سزاوار بود بخشیدند
- (۲) مدبری که به گل نکهت و به گل جان داد
- (۳) به پاسبانی اوقات خویش مشغولم
- (۴) به هرکه هرچه ضرور است داده‌اند آن را

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - ریاضی - ۹۰ - جامع ۳ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - جامع ۳

۱۲۶- ابیات زیر با کدام بیت تقابل معنایی ندارد؟

- «کهتری را که مهتری یابد  
خرد شاخی که شد درخت بزرگ
- هم بدان چشم کهتری منگر  
در بزرگیش سرسری منگر»
- (۱) نگوید کس که ناکس جز به چاه است
  - (۲) هر آن کهتر که با مهتر ستیزد
  - (۳) همی دانم که گر فر به شود سگ
  - (۴) هرگز به مال و جاه نگردد بزرگ نام
- که گر چه بر شود ناکس به کیوان  
چنان افستد که هرگز برنخیزد  
نه خامم خورد شاید زو نه بریان  
بدگوهری که خبث طبیعتش در رگ است

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - ریاضی - ۹۱

۱۲۷- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) غم دل به کس نگویم که بگفت رنگ رویم
- ۲) چگونگی راز دلم همچونی نهان ماند
- ۳) خود گرفتم که نگویم که مرا واقعه‌ای است
- ۴) نه ترا بگفتم ای دل که سر وفا ندارد؟

سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۲

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» با همهی ابیات

- گل به آن نازک تنی از خار بستر می‌کند  
 که کرده هر سر موی تو پای بست مرا  
 عاقبت درد محبت عین درمان شد مرا  
 درست شد همه کاری از این شکست مرا

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۱

۱۲۸- بیت «از خلاف آمد عادت، بطلب کام که من

- به استثنای بیت ..... قرابت مفهومی دارد.  
 ۱) ترک آسایش اگر لذت ندارد پس چرا  
 ۲) چگونگی از سر کویت توان کشیدن پای  
 ۳) نرگس او با دل بیمار من الفت گرفت  
 ۴) نشسته خیل غمش در دل شکسته‌ی من

۱۲۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) نوک مژگانم به سرخی بر بیاض روی زرد
- ۲) سخن عشق تو بی‌آن که برآید به زبانم
- ۳) گر بگویم که مرا با تو سروکاری نیست
- ۴) دوستت دارم اگر لطف کنی ور نکنی

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۱ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۱

۱۳۰- بیت: «دود اگر بالا نشیند، کسر شأن شعله نیست / جای چشم ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است» با همهی ابیات

به استثنای بیت ..... قرابت مفهومی دارد.

- ۱) به سال ار برادر ز من مهتر است
- ۲) در اولین قدم پر جبریل عقل سوخت
- ۳) هرگز به چشم، شوخی ابرو نمی‌رسد
- ۴) گر شانه‌ی خود از دل صد چاک من کنی

دبیرستان و پیش دانشگاهی - سراسری - انسانی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

- نه هرکس که او مهتر او بهتر است  
 هر پا شکسته‌ای به در دل نمی‌رسد  
 پای به خواب رفته به آهو نمی‌رسد  
 آشفستگی به زلف تو یک مو نمی‌رسد

۱۳۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) گر کهان مه شدند خاقانی
- ۲) هر ذلیلی که عزیز کند
- ۳) گاو را چون خدا به بانگ آورد
- ۴) خرد شاخی که شد درخت بزرگ

- تو در ایشان به مهتری منگر  
 در عزیزش منگری منگر  
 عمل دست سامری منگر  
 در بزرگیش سرسری منگر

سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - انسانی - جامع ۳ و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - آزمونهای سال سوم - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - هنر - جامع ۳

۱۳۲- مفهوم «این بوسهل مردی امامزاده و محتشم و فاضل و ادیب بود اما شرارت و زعارتی در طبع وی مؤکد شده - و لا تبدیل لخلق الله- و با آن شرارت، دل‌سوزی نداشت»، با همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ..... متناسب است.

- (۱) بید را گر بپرورند چو عود بر نیاید نسیم عود از بید
- (۲) چون بُود اصل گوهری قابل تربیت را در او اثر باشد
- (۳) هر که در اصل بدنهاد افتاد هیچ نیکی از او مدار امید
- (۴) زان که هرگز به جهد نتوان کرد از کلاغ سیاه باز سپید

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - ۹۰

۱۳۳- بیت: «فراوان سخن باشد آکنده گوش نصیحت نگیرد مگر در خموش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) اگرچه دانی که نشنوند بگوی هرچه دانی ز نیک خواهی و پند
- (۲) صد سخن در سینه و قادر بر اظهارش نیم کاشکی دوشینه می‌کردم که فرصت داشتم
- (۳) حاصل هر دو جهان را به سخن گر بدهند مگشال لب، چه توان یافت به از خاموشی
- (۴) طوطی خوش لهجه‌ام خاموشیم از حیرت صد زبان دارم ولی راه زبان گم کرده‌ام

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - هنر - ۹۰

۱۳۴- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) ای با همه کس به صلح و با ما به خلاف
- (۲) عوض شکوه کنم شکر چو یوسف اظهار
- (۳) به هر دردیت درمان هم ز درد است
- (۴) از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - تجربی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۱۳۵- مفهوم مقابل ضرب‌المثل «كُلُّ اِنَاءٍ يَتَرَشَّحُ بِمَافِيهِ» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

- (۱) فعل آلوده گوهر آلاید از خم سرکه سرکه پالاید
- (۲) از هر چه سبو پرکنی از سر و زپهلوش زان چیز برون آید و بیرون دهد آغاز
- (۳) اشک چو لعل ریزد آن لب مرا ز دیده در شیشه هر چه باشد از وی همان چکیده
- (۴) از کوزه چه آب خوشی نوشی نبود باک گر چون خز آدکن (نرم) نبود نرم سفالش

۹۰ - ۲ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - تجربی - ۹۰ - جامع ۲ و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - ۹۰ - جامع ۲

۱۳۶- بیت: «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) از خرابی می‌شد دل صاحب گنج هنر نیست معماری به از ویرانی این بنیاد را
- (۲) فلک را مترسان به آه دروغین که از تیر کج نیست پروا نشان را
- (۳) می‌کند پامال، تن آخر دل آسوده را می‌شود دامن کفن این پای خواب‌آلوده را
- (۴) عاشقان را شکوه‌ای از سختی ایام نیست م هر ی موم است کوه بیستون فرهاد را

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی - سراسری - زبان خارجی - سال تحصیلی ۹۱ - ۹۲ (سراسری - آزاد)

۱۳۷- مفهوم «راز و نیاز با محبوب، آفرینش انسان، خسته شدن یلان، فراق از معشوق و ناپایداری روزگار» به ترتیب از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

- |                                       |                                       |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| بسیار باد که بنیاد عمر بر باد است     | الف) بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است |
| قرعه‌ی فال به نام من دیوانه زدند      | ب) آسمان بار امانت نتوانست کشید       |
| غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا | ج) ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب  |
| غمی شد ز پیکار دست سران               | د) برآمیخت ز همام گرز گران            |
| کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران       | ه) بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران  |
| ۳) ه، ب، د، الف، ج                    | ۱) ج، الف، د، ه، ب                    |
| ۴) ج، ب، د، ه، الف                    | ۲) ه، ب، ج، د، الف                    |

ن و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - انسانی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله اول و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۰-۹۱

۱۳۸- مفاهیم «مواخذه نکردن، مدد طلبیدن، جان سپردن، آمادگی برای نبرد، رجز خواندن» به ترتیب از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

- |                            |                               |
|----------------------------|-------------------------------|
| هماوردت آمد بر آرای کار    | الف) خروشید کای فرخ اسفندیار  |
| بر آن باره‌ی پیل پیکر نشست | ب) کمندی به فتراک زین بر بیست |
| تویی آفریننده ماه و تیر    | ج) به باد افره این گناهم مگیر |
| سر خویش کرده سوی آسمان     | د) همی راند تیر گز اندر کمان  |
| از او دور شد دانش و فرهی   | ه) خم آورد بالای سرو سهی      |
| ۳) ج، د، ه، ب، الف         | ۱) ج، د، ب، الف، ه            |
| ۴) د، ب، ج، الف، ه         | ۲) د، ج، ب، ه، الف            |

ن - آزمایشی سنجش - تجربی - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله چهارم و دبیرستان و پیش دانشگاهی - آزمایشی سنجش - هنر - سال تحصیلی ۹۰-۹۱ - مرحله چهارم

## پاسخنامه کلیدی تستهای بخش اول (قرابت معنایی)

۴	۳	۲	۱		۴	۳	۲	۱		۴	۳	۲	۱	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۱	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۱	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۲۲	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۲	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۳	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۲۴	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۴	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۵
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۶	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۷	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۶۷	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۸	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۸
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۹	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۹	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۳۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۷۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۳۱	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۱	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۳۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۲
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۳۳	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۳۴	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۴	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۴
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۳۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۵	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۵
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۳۶	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۶	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۶
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۳۷	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۷	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۷
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۳۸	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۸
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۷۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۹
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۸۰	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲۰
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۱	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲۱
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۲	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲۲
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۲۳
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۴	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲۴
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۲۵
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۶	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲۶
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۸۷	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲۷
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۸	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۲۸
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۸۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۲۹
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۹۰	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۰
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹۱	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۱
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۲
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۹۳	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۳
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۳۴
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۵
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹۶	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۶
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹۷	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۳۷
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۹۸	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۸
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۹۹	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۳۹
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰۰	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۰
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰۱	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۱
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰۲	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۲
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰۳	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۳
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۰۴	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۴
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۰۵	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۵
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰۶	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۶
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۱۰۷	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۷
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰۸	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۴۸
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۰۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۴۹
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۵۰
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۱	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۵۱
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۲	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۵۲
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۳	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۵۳
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۴	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۵۴
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۵۵
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۵۶
					<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۷	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	- ۵۷
					<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۸	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۵۸
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۱۹	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۵۹
					<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۱۲۰	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	- ۶۰